

# توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

دی ماه ۱۳۹۰ ژانویه ۲۰۱۲

شماره ۶۶

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org) [www.toufan.org](http://www.toufan.org)

## در گذشت بانو عفت السادات صفا کیش



در گذشت بانو عفت السادات صفا کیش، مادر محبوب و مبارز و هم‌رمز دکتر محمد مصدق را به رفیق فریدون منتقمی و اعضای خانواده تسلیت می‌گوئیم و برایشان آرامش و صبر و پایداری آرزو مندیم. یادش گرامی باد!  
حزب کارایران (توفان)  
۲۴ دسامبر ۲۰۱۱

## نتایج شوم اشغال عراق و خطر تجزیه آن ص ۲

الگوی «انقلاب رنگی» در قزاقستان مورد آزمایش قرار گرفت ص. ۳

شانزده آذر، روز نبرد دانشجویان علیه استبداد و امپریالیسم گرامی باد! ص. ۵

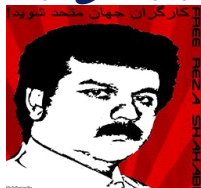
حقوق بشر و کاسبکاری سیاسی ص. ۵

یادی از رفیق حجت آلیان (کیومرث) ص. ۶



\*\*\*

رضا شهابی، کارگر زندانی آزاد باید گردد ص. ۸



شوراها تنها سازمان‌های کسب قدرت سیاسی هستند ص. ۹

تلنگری به یادزدائی ص. ۹

دستچینی از گفتگوها در صفحه فیسبوک توفان

پیرامون حمله احتمالی به ایران ص. ۱۰

آکسیون همبستگی با خلق‌های فلسطین، ایران و سوریه در شیلی ص. ۱۷

کوتاه ولی خواندنی نقل از فیسبوک ص. ۱۸

## نتایج شوم اشغال عراق و خطر تجزیه آن



نزدیک به ۹ سال از اشغال وحشیانه کشور عراق و به خاک و خون کشیدن دهها هزار مردم بیگناه می گذرد. آمریکا بدون توجه به اعتراضات میلیون ها مردم آزاده جهان، عراق را به خاطر منابع نفتی و اهمیت استراتژیکی به اشغال کامل خود در آورد. همان طور که بارها سخن گفته ایم ماهیت این جنگ سوای دروغ پردازی های رسانه های امپریالیستی و سوای تحریفات کارگزاران ریز و درشت آمریکائی نه آزادیخواهانه، بلکه ارتجاعی و استعماری است. امروز همه گان می دانند که هر آنچه رئیس جمهور پیشین آمریکا، آقای بوش و شرکاء برای حمله به عراق تراشیدند دروغ بود و اشغال عراق بی پرده و بدون کمترین توجه به موازین و قوانین خود ساخته بین المللی و به بهانه مبارزه با تروریسم انجام گرفت. عراق نه با القائده همکاری داشت و نه صاحب سلاح کشتار جمعی بود. این تبلیغات برای اغوای مردم و افکار عمومی بود. در خلال قریب به ۹ سال اشغال عراق، دو و نیم میلیون (۲۵۰۰۰۰۰) کشته طبق گفته وزیر بهداشت عراق، یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) بیوه زن عراقی، - چهار میلیون (۴۰۰۰۰۰۰) کودک یتیم عراقی، هشتصد هزار (۸۰۰۰۰۰) عراقی ناپدید شده در بازداشتگاه های مخفی مرتبط با احزاب گوناگون حاکم (بر اساس شکایت های ثبت شده در وزارت کشور عراق)، سیصد و چهل هزار (۳۴۰۰۰۰) زندانی عراقی که بدون اعلام جرم، در زندان های ارتش ایالات متحده، زندان های دولت عراق، و زندان های واقع در منطقه کردستان به سر می برند، چهار و نیم میلیون (۴۵۰۰۰۰۰) آواره عراقی در خارج از عراق، دو و نیم میلیون (۲۵۰۰۰۰۰) عراقی آواره در داخل عراق (به گزارش وزارت آوارگان عراق)، هفتاد و شش هزار (۷۶۰۰۰) مورد ثبت نام شده ایدز در عراق؛ این رقم قبل از تجاوز به عراق و اشغال آن کمتر از ۱۴ مورد بود (بنا به گزارش وزارت بهداشت عراق)، بیش از دوهزار پزشک و قریب به شش هزار نفر از روشنفکران و استادان دانشگاه های عراق ترور و یا به زندان افتاده اند. آمریکا از به کاربردن فسفر سفید علیه مردم بی دفاع دریغ نکرد و از قتل عام بیرحمانه مردم عراق در فلوچه به هدف نهائی اش برای نابودی جنبش مقاومت و ثبات دست نیافت. چشم اسفندپار زندان و شکنجه "دموکراتیک" در زندان مخوف ابو غریب عراق نیز بر کسی پنهان نیست و رسالت امپریالیست "دموکراتیک" آمریکا در جهان جز این نیست. اینهاست دستاوردهای شوم اشغال عراق در خلال ۹ سال اخیر.

**هدف آمریکا از اشغال این کشور** استقرار دائمی قوای نظامی و کنترل تمام و کمال منابع طبیعی این کشور به ویژه نفت و محاصره ایران از یک سو و اعمال هژمونی بر سایر رقبای امپریالیستی از سوی دیگر بود. امپریالیست آمریکا موفق به نابودی زیرساخت اقتصادی و همه دستاوردهای ۵۰ سال اخیر عراق گردید اما موفق نگشت اراده پولادین مردم عراق و مقاومت استقلال طلبانه ملت را در هم کوبد. ارتش متجاوز آمریکا همراه با قوای نظامی بیش از ۳۰ کشور دیگر و در مجموع با یک نیروی ۲۵۰ هزار نفری در مقابل پیکار مسلحانه مردم عراق ضربات سختی خورد و در یک جنگ فرسایشی و پرهزینه (طبق آمار رسمی هزینه جنگ ۷۵۰ میلیارد دلار بوده است) در باتلاق بی ثباتی و بی دورنمائی فرو رفته و چاره کار را در عقب نشینی و مستقر کردن قوا در کویت دیده است، تا در آینده هر لحظه لازم آید ارتش را مجدداً وارد کارزار علیه "تروریست ها" در عراق نماید. باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در ۱۸ ماه نوامبر طی مصاحبه ای پایان اشغال عراق را که وعده انتخاباتی ایشان بود اعلام و به دروغ بر ادامه گفتن دموکراسی و سازندگی عراق مدرن تأکید ورزید. آمریکا هنوز دارای ۲۰۰۰۰ پرسنل نظامی و امنیتی در عراق است و نهادهای کلیدی و استراتژیک کشور را در کنترل خود دارد. هزینه سفارت آمریکا در بغداد با ۵۰۰۰ پرسنل در طی پنج سال ۲۵ - ۳۰ میلیارد دلار بوده است.

**برقراری ثبات در عراق** که یکی از اهداف استراتژیک آمریکا برای غارت و چپاول و ادامه پیشروی بود با شکست روبرو شده است. هنوز چند روزی از خروج رسمی ارتش آمریکا از عراق نگذشته بود که تشدید نزاع درونی حاکمیت گماشته عراق و فرار معاون رئیس جمهوری، طارق آل هاشمی سنی مسلک به اتهام توطئه علیه آل مالکی شیعه مسلک رهبر حزب دعو و متحد جمهوری اسلامی از یک سو و کردهای منطقه "خودمختار" از سوی دیگر نشان از ژرفش بحرانی است که هیچ دورنمائی جز سرنگونی کل حاکمیت نامشروع و همدست استعمار که عراق را ویران ساخته اند متصور نیست. شکست سیاست های متناقض امپریالیست آمریکا قابل پیش بینی بود. آمریکا با سیاست تقویت جناح شیعه علیه سنی ها و همکاری با رژیم جمهوری اسلامی در براندازی رژیم صدام حسین اگر چه در کوتاه مدت به اهدافش رسید اما در ادامه رشد تضادهای سیاسی در عراق به تقویت جناح شیعه و حزب دعو به رهبری مالکی متحد ایران انجامید که نمی تواند مورد نگرانی آمریکا نباشد. اکنون با توجه به اوضاع بحرانی عراق و تشدید تضادهای جناح های مختلف ذینفع در حاکمیت استبدادی و وابسته، سیاست تجزیه عراق یکی از ترفندهای شناخته شده امپریالیست آمریکا برای حضورش در عراق و کنترل منابع نفتی است. سیاست استعماری تفرقه بیانداز و حکومت کن و تجزیه کشور به نیول های کوچک تر و ادامه سلطه بر عراق در استراتژی امپریالیست آمریکا قرار دارد و بر جنبش مقاومت عراق است تا با هوشیاری و بسیج ملت این توطئه نواستعماری را خنثی و کشور را از زیر یوغ امپریالیسم رها سازد.

اشغال عراق نشان داد که دموکراسی و آزادی از دل تحریم و تجاوز و بمباران زیرساخت‌های حیاتی ملت به دست نمی‌آید و امپریالیسم نمی‌تواند منادی رهایی بشریت باشد. در عراق نه انتخابات دموکراتیک برگزار شد و نه آزادی احزاب به معنای واقعی و نه رفاه و امنیت اجتماعی. بلکه برعکس آنچه که مردم عراق طی سالیان طولانی به دست آورده بودند توسط امپریالیسم و صهیونیسم نابود گردید و کشور به عصر حجر پرتاب شد. آن بخش از اپوزیسیون ایرانی که در مقابل تحریم اقتصادی ایران سکوت کرده و بیش‌تر مانده از تجاوز نظامی به ایران دفاع می‌کند، از سرنوشت غم‌انگیز احزاب و سازمان‌های عراقی نیم‌موخته و به اپوزیسیون خیانت ملی بدل شده است. ننگ تاریخ بر جریاناتی که از الگوی "دموکراسی" بمباران لیبی و عراق و افغانستان و یوگسلاوی الهام می‌گیرند و به مزدور امپریالیست تبدیل شده‌اند.

جنبش مقاومت مردم عراق آرام نخواهد گرفت و به نبرد حق طلبانه‌اش تا سرنگونی رژیم فاسد و دست‌نشانده عراق و بیرون ریختن آخرین سرباز متجاوز ادامه خواهد داد. مردم عراق خواهان خروج فوری و بی‌قید و شرط تمامی نیروهای متجاوز از خاک کشورشان هستند. پرداخت غرامت به ملت عراق یکی دیگر از خواسته‌های ملی و عادلانه این خلق است. مبارزه در عراق مبارزه مذهبی نیست مبارزه‌ای ماهیتاً آزادیبخش و استقلال طلبانه و ضد استعماری است. این نکات است که در تحلیل باید برجستگی پیدا کند. برای طرد امپریالیسم و صهیونیسم از ممالک تحت سلطه اشغالگران استفاده از هرگونه وسیله ابراز مقاومت و سرکوبی دشمن مشروع و قابل فهم است. خلق‌های جهان حق دارند گور این دشمنان و همدستان داخلی آنها را به عمیق‌ترین وجه ممکن بکنند.

**ملت عراق** تن به تجزیه کشور نخواهد داد. سرنوشت ملت عراق باید فقط به دست مردم این کشور و بدون دخالت نیروهای خارجی تعیین گردد.

## زنده باد اتحاد خلق‌های عراق علیه متجاوزین آمریکایی و رژیم دست‌نشانده عراق!

### توفان

سخن هفته

#### نقل از فیسبوک حزب کارایران

پنجم دی ماه هزار و سیصد و نود

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

\*\*\*\*\*

## الگوی «انقلاب رنگی» در قزاقستان مورد آزمایش قرار گرفت

روز ۱۶ دسامبر ۲۰۱۱، گروه‌های مسلح ناشناس با استفاده از وضعیت پیش آمده در شهر ژانائوزن قزاقستان در اثر اعتصاب کارگران شرکت نفتی «کارائانباسمونای»، به مردمی که به مناسبت بیستمین سالگرد استقلال این جمهوری در میدان مرکزی شهر گرد آمده بودند، حمله کرده، کاج کریسمس را در هم شکسته، ساختمان فرمانداری و برخی مؤسسات دیگر دولتی را به آتش کشیدند. این رویدادها، در انطباق کامل با الگوی "دموکراتیزه کردن" آمریکایی برای نوسازی اورآسیا به وقوع پیوست.

اعتراضات کارگران شرکت «کارائانباسمونای» به ابتکار مسئول امور حقوقی این شرکت، ناتالیا ساکالووا آغاز شد. این زن حقوقدان پیش از آن چند بار هم به اتهام ارتکاب تخلفات جنحه‌ای از سوی ارگان‌های قضائی قزاقستان مورد بازخواست قرار گرفته بود. ۸ اوت سال ۲۰۱۱، او به شش سال زندان محکوم گردید. لازم به یادآوری است که محکومیت او را همان وقت، همزاد بومی رادیو "آزادی" آمریکا یک فاجعه نامید و برای آزادی او، تلاش‌های گسترده‌ای به رهبری یان کلی نماینده آمریکا در سازمان امنیت و همکاری اروپا به عمل آمد.

تحقیقات روزنامه نگارانه انجام شده در باره ناتالیا ساکالووا نشان می‌دهند، که او قبلاً به یکسری تحریکات در این شرکت دست زده بود. یکی از این تحریکات و عده افزایش سه برابری حقوق‌ها بوده است. به نظر می‌رسد او از اهداف سوداگرانه خود پیروی می‌کرده است. اگر این هم در نظر گرفته شود که ساکالووا قبلاً به عنوان مترجم در شعبه بشردوستانه ارتش و نیروی دریائی آمریکا و هم چنین در مقام کارمند شعبه‌های مختلف آژانس "کمک‌های آمریکا" وابسته به وزارت خارجه آمریکا به کار اشتغال داشته است، نقش او در این حوادث به وضوح آشکار می‌شود.

مناقشه با پشتیبانی رسانه‌های بسیاری از الیگارشی‌های فراری پسا شوروی مقیم لندن آغاز شد. یکی از آنها، مخترع آبلیزوف است که از راه تقلب و کلاهبرداری به ثروت‌های کلان و املاک و مستغلات فراوانی دست یافت و بودجه روزنامه «جمهوری» را هم تأمین می‌کند، که به طور سیستماتیک به تحریف سیمای قزاقستان و روسیه مشغول است. سایت این روزنامه را یک گروه موسوم به "هکرهای تورنتو" اداره می‌کند که هدف خود را مبارزه با رژیم‌های توتالیتری اعلام کرده است.

یکی دیگر از مهاجران، آکه ژان کاژت‌الدین، نخست وزیر سابق قزاقستان می‌باشد، که نقش بزرگی در امر بی‌ثبات سازی این جمهوری بازی می‌کند. او زمانی در پاسخ به این پرسش خبرنگاران که در خارج به چه کاری مشغول است، جواب می‌دهد:

« کاژت‌الدین در خارج از کشور نیز به کشور خود خدمت می‌کند. او با محافل سیاسی، با دوایر سیاسی و حتی با مقامات اجرائی قدرت‌های پیشرو غرب به امور دیپلوماتیک مشغول است تا قزاقستان بتواند به جای این که از جامعه جهانی طرد شود، به جمع خانواده کشورهای دموکراتیک بپیوندد. این است مشغله او. »

همان وقت او اظهار اطمینان کرد که قزاقستان آستان حوادث بزرگی است.

از سوی دیگر، اپوزیسیون قزاقستان از خط چپ هم در پارلمان اروپا پشتیبانی می‌شود. در همین رابطه، پُل موری (Paul Murphy) یکی از نمایندگان آن، در سال ۲۰۱۱ چند بار از قزاقستان دیدن کرد و حتی جنجال‌های خبری پیرامون اهداف سفر خود به راه انداخت. به نظر می‌رسد که پُل موری با مداخله در امور داخلی قزاقستان، از منافع الیگارشی‌های فراری این جمهوری حمایت می‌کند.

برای درک ماهیت مداخله اروسوسیالیست‌ها در امور قزاقستان، باید توجه داشت که امروز تروتسکیسم در پشت شعار "جنش بین‌المللی کارگری" سنگر گرفته است. و یکی از آنها، هاویر سولانا، سوسیالیست - تروتسکیست مشهور است که در جوانی تظاهرات ضد جنگ به راه می‌انداخت و سپس به فرماندهی ناتو برگزیده شد و در سال ۱۹۹۹ فرمان بمباران یوگسلاوی را صادر کرد. آنچه که به پُل موری مربوط می‌شود، این است که او یکی از فعالان حزب سوسیالیست ایرلند و نماینده این حزب در کمیته انترناسیونال کارگری، یعنی دومین سازمان جهانی تروتسکیستی حامی و هوادار گسترش همجنسگرایی و سقط جنین می‌باشد.

یک روزنامه‌نگار قزاقستانی بنام یارسلو کراسینکو این حوادث را از جنبه دیگری مورد توجه قرار داد و نوشت:

« گروه‌های مسلح خوب آموزش دیده و سازمانیافته به مقابله با نیروی پلیس پرداختند. آنها از کجا آمدند؟ فقط از یک طرف، از جنوب، از ازبکستان می‌توانستند بیایند و این شاید تصادفی نبود که این حادثه چند روز پس از سفر هیلاری کلینتون به این جمهوری و انتقادات همزمان رئیس‌جمهور از اتحادیه اروپا اتفاق افتاد. »

در این نوشته از دو عروسک مدافع حقوق بشر، به نام‌های گالیم (حلیم) آگلووف و بختزان تاریگوژین یاد شده است. نفر اخیر، تقریباً یک ماه پیش در وبلاگ خودش نفتگران را به خشونت سازمانیافته فراخواند و نوشت: «زمان دست بردن پرولتاریای محروم به سلاح فرارسیده است.»

یارسلو کراسینکو موارد دیگری از خبرهای جعلی، از جمله، فراخوان تارنمای «donors.kz» خطاب به اهداء کنندگان خون برای مراجعه به «بنیاد خون قزاقستان» و اهداء خون به آسیب دیدگان آکتائو را مورد توجه قرار می‌دهد. پس از بررسی‌ها، این واقعیت روشن شد که یک چنین منبع اطلاع رسانی هیچ ارتباطی با مؤسسات قانونی دستگاه پزشکی قزاقستان ندارد و سرویس دهنده (سرور) «donors.kz» در جزایر ویرجین بریتانیا مستقر است. این مهم نیست که آیا این تارنما رابطه مستقیمی با الیگارشی‌های فراری مقیم لندن دارد یا نه، بلکه این مسئله اهمیت دارد که این عملیات خبر رسانی با اطمینان به شروع خشونت برنامه ریزی شده، از قبل تدارک دیده شده بود.

هدفم دسامبر در ژانواوزن وضعیت فوق‌العاده اعلام کردند. با این وجود، قابل درک بود که خیمه شب بازان غرب هم چنان بندهای عروسک‌های خود را تکان خواهند داد. درست همان روز در آلمانا یک حرکت اعتراضی سازمان یافته‌ای صورت گرفت که در آن، حسن کاژاحمد، یکی دیگر از رهبران اپوزیسیون ضمن برابر شمردن حاکمان کنونی قزاقستان با مقامات چندی پیش سرنگون شده عرب، مثل مبارک و قذافی گفت: "ما را نباید قاتل و شرور رهبری کند". به نظر می‌رسد این تصمیم، که از نظربایوف یک "دیکتاتور خونخوار" بسازند و راه دخالت "بشردوستانه" در قزاقستان را باز کنند، گرفته شده است.

این هم یک امر اتفاقی نیست که اولین اقدام جدی برای بی‌ثبات سازی قزاقستان، در منطقه نفتخیز این جمهوری به عمل آمد. قزاقستان یک گنجینه عظیم منابع طبیعی می‌باشد. این جمهوری به لحاظ داشتن معادن کروم و سرب، جایگاه اول، به لحاظ ذخایر نفت، نقره، مس، منگنز، روی، نیکل و مواد خام فسفریک، جایگاه دوم و از نظر ذخایر گاز، زغال، طلا و قلع، جایگاه سوم را در میان جمهوری سابقاً عضو اتحاد شوروی به خود اختصاص می‌دهد. هم چنین قزاقستان با داشتن یک و شش دهم میلیون ذخیره اورانیوم، در جایگاه دوم در مقیاس جهانی قرار گرفته است.

زیبگینیو برژینسکی در مورد اهمیت ژئوپلتیک قزاقستان چنین اظهار عقیده می‌کند: "دستیابی به این دمیبه چرب و نرم اروپا، کنترل آسیای میانه را امکان پذیر می‌سازد و همراه با آن، راه به سوی روسیه، چین و از طریق دریای خزر، به قفقاز را باز می‌کند. آینده اتحادیه اروپا، با سرنوشت قزاقستان هم پیوندی مستقیم دارد".

بالاخره، آنچه که در شهر ژانواوزن اتفاق افتاد، در واقع ادامه همان خطی است که آلن دالاس رئیس سابق سازمان "سیا" در سال ۱۹۴۵ ترسیم کرد و گفت: "ما باید با اجرای طرح ایجاد مناطق اغتشاش هدایت شونده هر چه بیشتر در جهان، در امور دولت‌ها اخلال کنیم و سر در گمی به وجود آوریم. در این کار، البته ما قابل مشاهده نخواهیم بود، اما همواره و به طور فعال بر استبداد مقامات، ترویج رشوه و عدم اصولیت تأکید خواهیم کرد".

\*\*\*\*\*

**مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستی مبارزه ضد امپریالیستی است**

## شانزده آذر، روز نبرد دانشجویان علیه استبداد و امپریالیسم گرامی باد!

بار دیگر ۱۶ آذر روز اعتراض متحد دانشجویان ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم فرا می رسد. ۱۶ آذر ۱۳۳۲ روزی است که نیکسون جنایتکار، معاون وقت ریاست جمهوری آمریکا پس از کودتای ننگین "سیا" به ایران آمده بود. این امر در شرایطی صورت می گرفت که عمال امپریالیسم بر سر کوی و بازار، کارخانه و مزرعه، مدرسه و دانشگاه با سلاح گرم و با چوب و چماق و چاقو خفقان می آفریندند و دانشجویان انقلابی و مبارز ناقوس مرگ رژیم بیدادگر کودتا و اربابانش را در دانشگاه به صدا درآوردند. در این روز سه تن از دانشجویان انقلابی و میهن پرست: شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا قلب جوانشان طعمه رگبار آتشبار دشمن نابکار گشت و خون پاکشان همچون جویباری از دانشگاه سرآرزیرشد و با خون زحمتکشانشان درآمیخت تا پیوسته یاد آور همبستگی ضد استبدادی، ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی دانشجویان و عموم مردم آزادیخواه ایران باشد.

جنبش چند سال اخیر دانشجویی ایران با الهام از نسل گذشته و دستاوردهای پربار و ارجمندی که این نسل برای آنها به ارث گذارده است خیزش انقلابی و خیره کننده ۱۸ تیر ۷۸ را آفرید که با جنبش دموکراتیک، ضد سلطنت و ضد امپریالیستی پیوند خورد. این جنبش ناقوس مرگ رژیم اسلامی را به صدا درآورد و همانند ۱۶ آذر بازتاب درد و رنج عمومی مردم ایران بود. اعتراضات به حق دانشجویان، بازتاب نارضایتی عمیق توده مردم در ایران است. بازتاب فقر و فساد و گرانی و بی حقوقی در جامعه است بازتاب زندان و سرکوب و شکنجه، بازتاب زورگویی‌ها و خودکامه گی‌های بی حد و حصری است که قلم قادر به تصویر کشیدن اینهمه جنایت و پلیدی‌ها نیست.

حزب ما از خواست آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان زندانی، از خواست آزادی فوری فعالین کارگری از آزادی بیان و عقیده، از حقوق اساتید اخراجی و بازگشت آنها به دانشگاه، از جدائی دین از دولت و پیوند این مطالبات با مبارزه علیه خطر تجاوز خارجی و افشای مزدورانی که در لباس چپ و سکولاریسم به فریب مردم مشغولند و به دلارهای آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل چشم دوخته‌اند دفاع می کند و این امر را از جمله وظایف مهم دانشجویان چپ و انقلابی ایران می داند.

جنبش دانشجویی میهن ما مانند موج آرامش پذیر نیست و این مبارزات در پیوند با کارگران و سایر زحمتکشانشان تا پیروزی نهائی ادامه خواهد یافت. حزب کار ایران (توفان) به دانشجویان مبارز و انقلابی درود می فرستد و از مطالبات و مبارزه ضد استبدادی و ضد امپریالیستی آنها قاطعانه دفاع می کند و بر نقش رهبری حزب پرولتری بر جنبش دانشجویی تأکید می ورزد.

**زنده باد پیکار متحد دانشجویان علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!**  
**آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان زندانی در بند و همه زندانیان سیاسی!**  
**علیه تحریم اقتصادی، علیه تجاوز نظامی، نابود باد امپریالیسم جهانی!**  
**زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!**

**حزب کار ایران (توفان)**

آذر ۱۳۹۰

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

\*\*\*\*\*

## حقوق بشر و کاسبکاری سیاسی

حزب ما همواره تأکید کرده است که مبارزه برای حقوق بشر را باید با مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در دنیای کنونی پیوند زد. شکنجه از نظر کمونیست‌ها بد و خوب ندارد، حقوق اسرای جنگی و یا حتی جنایتکاران خدشه ناپذیر است. نقض حقوق ملل و تجاوز به عراق و افغانستان و، لیبی، یوگسلاوی ضدیت آشکار با حقوق بشر است و توسط دشمنان بشریت صورت می پذیرد. اشغال سرزمین قدس و تاراندن سه میلیون فلسطینی و نقض حق حیات مستقل آنها ضدیت با بشریت است و باید محکوم شود. نمی شود مطابق تبلیغات صهیونیست‌ها و جاسوسان آنها که اسرائیل را کشور دموکراتیک می خوانند جنایت علیه خلق فلسطین را مورد تائید قرار داد. حزب ما رهنمودش این است که در همه فعالیت‌های مربوط به حمایت از حقوق بشر، باید با طرح شعارهای درست و افشاءگرانه دست مأموران خود فروخته امپریالیست‌ها، ناسیونال شوونیست‌ها، خودفروختگان سیاسی باز شود. باید روشن شود که مدافعین واقعی حقوق بشر چه کسانی هستند و چه کسانی کاسبکارانه در پی آن هستند تا جای ناقضین حقوق بشر را با یکدیگر تعویض کنند. حقوق بشر انتزاعی و مجرد وجود خارجی ندارد.

مبارزه برای تحقق حقوق بشر از مبارزه بر ضد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع داخلی می گذرد. حقوق بشر امپریالیستی حقوق بشری است که ابناء بشر را به دسته‌ای از انسان‌های مستحق شکنجه و بی حقوق و وحشی و غیر متمدن، با حجاب و مسلمان و

مسلمان سیاسی و یا به دسته دیگری از انسان‌های به اصطلاح "لائیک"، "مدرن"، بی‌حجاب و مسلمان غیر سیاسی، هوادار خصوصی سازی، سازمان تجارت جهانی، جامعه باز ... که شایسته برخورداری از حقوق بشر هستند تقسیم می‌کند. چنین تفکر بیمارگونه جرح بوشی، اوبامائی و یا تونی بلری و سارکوزی با تفکر خمینی و لاجوردی فرقی ندارد. و پیروان این دو تفکر نیز هر دو از یک قماشند.

در اینجا ما با تفاوت ماهیت طبقاتی حقوق بشر خواهی لیبرالی و حقوق بشر خواهی کمونیستی روبرو می‌شویم که حقوق بشر را زمانی تحقق یافته می‌دانند که جامعه در مجموع خود آزاد شود و نیازی نباشد که کشتی‌ها و تانک‌ها و سربازان به آفریقا گسیل شوند و قتلگاه‌ها بیافرینند. تنها در جامعه بی طبقه که در آن جایی برای ستم طبقاتی نیست، حقوق بشر می‌تواند شکوفا شود و اشکال گوناگون اعدام از میان برود و از پوسته ریاکاری بدر آید و انسان به انسان واقعی بدل شود. و در آن دیگر نیازی نباشد تا مغز کسی شستشو شود.

و اینجاست که باید به ایرانیان اپوزیسیون لیبرال برخورد کرد که هم مسئله حقوق بشر و هم اعدام و نظایر آنها را از مجموعه نظام طبقاتی و امپریالیستی جدا کرده و به طور انتزاعی در موردش بحث می‌کنند. آنها که خود را مدافعان حقوق بشر جا می‌زنند، دستشان به خون ملت‌های آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین آلوده است و آن ایرانی‌هایی که خودشان را حامی حقوق بشر جا می‌زنند اگر در مبارزه‌اشان در این راه از افشاء امپریالیست‌ها طفره روند آن وقت دستشان به خون مردم عراق و افغانستان و لیبی و فلسطین آلوده است. همه کسانی که دم از حمایت از حقوق بشر می‌زنند، اگر آن را جدا از مبارزه ضد امپریالیستی طرح کنند، یا آن که از نظر سیاسی نادانند و یا می‌دانند که صرفشان در مخالفت و افشاء امپریالیست‌ها نیست، زیرا از فردا عکس‌هایشان در مطبوعات و رسانه‌های امپریالیستی بازتاب نیافته و نامشان بر سر آنتن‌ها نمی‌رود. آن وقت دیگر در مجامع جهانی کسی به آنها جایزه نمی‌دهد و این دست‌های خونین برایشان دست نمی‌زنند. کسی که حاضر نباشد از حداقلی از رفاه خود، برای زنده بودن دیگران، بگذرد نشاید که نامش نهند آدمی. این عده از اپوزیسیون به سائتر عورت امپریالیست‌ها بدل شده‌اند و در آینده ایران خوراک انقلاب مخملی ایران هستند. از همین الان دارند آنها را توی پوست پیاز می‌خوابانند. حمایت از حقوق بشر تجزیه بردار نیست و نمی‌شود آن را از مبارزه با دشمنان بشریت جدا کرد. اپوزیسیون کاسبکار و لیبرال ایران که حقوق بشر را به خوب و بد تقسیم می‌کند اپوزیسیونی نیست که قابل اعتماد باشد. نمی‌شود مخالف نقض حقوق بشر در ایران بود ولی بر جنایات صهیونیست‌ها در فلسطین و نوار غزه و یا رفتار با سیاهان آفریقا در دریای مدیترانه و یا رفتار با زندانیان گوانتانامو و ابوغریب و کشتار مردم لیبی... چشم بست. دیگر نام این فعالیت را باید کاسبکاری سیاسی گذاشت که در نزد مردم ما پیشیزی ارزش ندارد.

## توفان

سخن هفته

### نقل از فیسبوک حزب کار ایران

۲۴ آذر ۱۳۹۰

\* \* \* \* \*

## یادی از رفیق حجت آلیان (کیومرث)



می‌خواهم یادی از عزیزی بکنم که از نیمه‌های شب با دیدن پیامی از رفیقی، رهایم نمی‌کند. در اینجا قسمتی از خاطرات دوست عزیز همایون ایوانی که خود از جانبدرندگان این واقعه است را فید می‌کنم:

« در مرداد ماه ملاقات‌ها قطع شده بود. پس از يك ماه در اوایل شهریور با خبر شدیم که در حال "دار زدن" زندانیان اوین هستند. ولی چون خبر از طریق مورس رسیده و از چند بند گذشته بود؛ منبع خبر را نمی‌توانستیم شناسایی کنیم و ضریبی از اشتباه را در انتقال خبر گذاشته بودیم. خبر تظاهرات خانواده‌ها که در پی قطع ملاقات، خواستار روشن شدن وضعیت فرزندان و یا همسرانشان بودند، به ما رسیده بود. روش جدید قتل عام، دار زدن بود و نمی‌شد مانند سال ۱۳۶۰ از طریق شمردن تیرهای خلاص، به تعداد اعدامی‌ها پی برد.

زندانیان بی سر و صدا، گروه، گروه به دار آویخته می‌شدند. بی‌آنکه سایر زندانیان در فاصله نزدیک به محل اعدام از این موضوع با خبر شوند. باورکردنی نبود که نزدیک ترین دوستان و عزیزترین کسانت، در فاصله چند ده متری سلول خودت، حلق‌آویز شده و دارد دست و پا می‌زند و آخوندها و پاسداران به عربده‌های مستانه مشغولند. چنین جنون و کین‌توزی، هرگز در مخیله هیچ آدم سالمی نمی‌گنجد؛ اما جمهوری اسلامی چیز دیگریست. »

آری در مخیله هیچ انسانی نمی‌گنجد؛ و حجت (کیومرث) ایلیان یکی از این عزیزان بود که سر به دار شد. یادش گرامی باد  
<http://www.bidaran.net/spip.php?breve406> «اختر فاضلی»

\*\*\*

**در افشای این جنایت و تجلیل از مبارزات خستگی ناپذیر رفیق حجت آلیان (کیومرث) اطلاعیه دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان) که در آبان ماه ۱۳۶۷ منتشر گردید را بار دیگر انتشار می‌دهیم و یاد این رفیق گرانقدر و همه رفقا و جانبازگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی می‌داریم.**

«رفیق حجت آلیان (کیومرث) کمونیست برجسته و خستگی ناپذیر آرمان طبقه کارگر، به دست جلادان رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی شهید گردید.

رفیق حجت در سال ۱۳۳۵ در خانواده‌ای زحمتکش در شهر چالوس به دنیا آمد و از همان کودکی با ستم و بهره‌کشی جامعه طبقاتی آشنا گردید. به خاطر علاقه شدید به آموختن، در حین کار کردن به تحصیل پرداخت و پس از اخذ دیپلم، در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. رفیق کیومرث مدت کوتاهی بعد از ورود به شهر تور در فرانسه چهره محبوب ایرانیان مقیم این شهر شد. در همان اوان با سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان آشنا گردید و از آن لحظه به بعد تمام توانایی و شور انقلابی خود را در درون سازمان توفان و سپس حزب کار ایران در خدمت به آرمان طبقه خود نهاد. تا پیش از انقلاب بهمن ماه ۵۷ یکی از فعالین کنفدراسیون در صفوف فدراسیون فرانسه بود و در آستانه انقلاب به یاران حزبی خود در ایران پیوست.

رفیق "کیو" پس از بازگشت به ایران در شهر زادگاهش چالوس به گسترش هسته‌های حزبی پرداخت و از آنجایی که در میان مردم شهر از محبوبیت خاصی برخوردار بود از همان آغاز خشم و کینه ارتجاعیون مذهبی را متوجه خود ساخت. بارها مورد حمله اوباشان اسلامی قرار گرفت و عاقبت هنگامی که اقامت در چالوس برایش خطری جدی به همراه داشت به دستور حزب به زندگی مخفی در تهران ادامه داد، تا این که در سال ۶۲ هنگام گذشتن از خیابانی در تهران به طور تصادفی شناسایی و دستگیر شد. "رفیق کیو" آن گونه که شایسته کمونیست‌هاست در سیاه‌چال‌های جمهوری اسلامی به آرمان‌های طبقاتی خود وفادار ماند و علیرغم شکنجه‌های فراوان اسرار تشکیلاتی و ماهیت فعالیت‌های خود را پنهان داشت.

در زندان رفیق "کیو" نمونه یک کمونیست در بند بود، روحیه شاد و سر زنده و امید همیشگی او به آینده تابناک زحمتکشان الهام بخش همه زندانیانی می‌شد که با این رفیق روبرو می‌گردیدند. رژیم جنگ و جنایت جمهوری اسلامی، این لکه ننگ تاریخ بشری، بعد از شکست فضاحت بار در جبهه‌های جنگ و بی آبرو شدن بیشتر در افکار عمومی داخلی و خارجی، از روی عجز و درماندگی هجوم بربرمنشانه‌ای را به تلافی این شکست علیه زندانیان سیاسی در بند آغاز کرد تا بلکه بتواند وجود منحوس و فاشیستی خود را چند صباحی بیشتر حفظ کند. رفیق حجت آلیان نیز از جمله رفقای بود که در این یورش رژیم، اوائل آذر ماه در زندان اوین تیرباران شد. رژیم خمینی به عبث می‌پندارد که با جاری ساختن حمام خون در زندان‌ها و شدت بخشیدن به سرکوب توده مردم خواهد توانست رژیم متعفن اسلامی را از سرنگونی نزدیک نجات دهد. اما جنایتکاران اسلامی باید بدانند که با اعدام و ترور و شکنجه و مختنق کردن فضای جامعه، تنفر و خشم عمیق توده‌ها را نسبت به خود صد چندان کرده‌اند و هم اکنون زحمتکشان میهن ما برای فرارسیدن روز موعود و تسویه حساب بی‌تابی می‌کنند.

در پیکار بزرگ برای رسیدن به جامعه‌ای بدون ستم و بهره‌کشی و برای تحقق بخشیدن به والاترین آرمان بشریت، یعنی سوسیالیسم و کمونیسم، رفیق "کیومرث" نیز همچون خیل عظیمی از رفقای دیگر در میان ما نیست. ولی یاد و زندگی پربار او، و همه رفقای شهید، برای همیشه الهام بخش کمونیست‌هایی خواهد بود که جز خدمت به منافع طبقه کارگر هدف و وظیفه دیگری برای خود نمی‌شناسند. یاد رفیق "کیومرث" گرامی و جاودان باد!

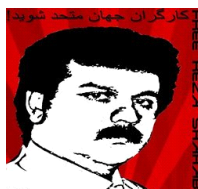
**مرگ بر رژیم فاشیستی - مذهبی خمینی!**

**زنده باد کمونیسم!**

**زنده باد حزب کار ایران (توفان)!**

**دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان)**

آبان ماه ۱۳۶۷



**رضا شهابی** کارگر و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد از تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ به مدت ۱۹ ماه است که به دلیل دفاع از حقوق و مطالبات خود و کارگران در زندان اوین تهران، در بند است. رضا بیستمین روز اعتصاب خود را در بدترین شرایط جسمی سپری می کند. وی ناراحتی و نارسائی در کبد و کلیه دارد و ۴ مهره‌ی کمرش ضایع شده و اکنون نیمه‌ی چپ بدنش بی‌حس شده است و مطابق هشدار پزشکان احتمال فلج شدن او وجود دارد. فقط... رژیم چینی با مردمش برخورد می کند که خائن به منافع و حقوق ملت باشد. بدون تأمین حقوق دموکراتیک مردم و آزادی‌های سیاسی، مبارزه ضد امپریالیستی حرف مفت است. با خوردن پفک نمکی و لوبیا چیتی و لبوی داغ در مقابل سفارت آمریکا (اشغال سفارت آمریکا ۱۳۵۸) و صلا دادن شعارهای آتشین ضد آمریکائی و در عین حال سرکوب کارگران، زحمتکشان و دگراندیشان نمی توان مدعی مبارزه ضد امپریالیستی شد. این کاریکاتوری از مبارزه ضد امپریالیستی و لوٹ کردن مبارزه ملی است.... وظیفه همه ایرانیان آزاده، دموکرات و ضد امپریالیست است که به یاری رضا شهابی و همه زندانیان دربند بشتابند و حداقل در عرصه مجازی و با امکاناتی که در اختیار دارند خواهان آزادی فوری وی و همه زندانیان دربند سیاسی گردند.

من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه برخواهند خاست. من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی، پس چه کسی برخواهد خاست!

## آزادی فوری و بی قید و شرط رضا شهابی و همه زندانیان سیاسی دربند.

### درخواست مشترک ۵ سندیکای فرانسوی: رضا شهابی را آزاد کنید

۵ سندیکای عمده فرانسوی که نمایندگی میلیون‌ها کارگر در این کشور را بر عهده دارند، با امضای نامه‌ی مشترکی از رئیس قوه قضائیه ایران خواستند که رضا شهابی کارگر زندانی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را آزاد کند. به گزارش دو گروه "همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس" و "اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس" متن این نامه به شرح زیر است:

به آقای لاریجانی

رئیس قوه قضائیه

تهران - جمهوری اسلامی ایران

موضوع: بازداشت آقای رضا شهابی و وضعیت سلامت او

عالیجناب

سازمان‌های اتحادیه‌ای فرانسوی س.اف.د.ت، س.ژ.ت، اف.اس.او، همبستگی - سود، و اونسا توجه شما را به وضعیت رضا شهابی، عضو هیئت مدیره "سندیکای واحد اتوبوسرانی تهران و حومه" که از ۱۹ ماه پیش در زندان به سر می برد، جلب می کنند. او در روز ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ بدون این که هیچ اتهامی به او نسبت داده شود بازداشت شد. رضا شهابی مبارزی است که از منافع کارگران دفاع می کند. او در ۲۵ ماه گذشته در برابر "دادگاه انقلاب" حضور یافت. ایشان به همراه وکیل خود در دادگاه دلایلی دال بر این که او به هیچ اقدام غیرقانونی دست نزده است ارائه دادند. رضا شهابی از مشکلات سلامتی متعددی (نارسائی کلیوی و آرتروز شدید ناشی از آسیب خوردن چهار مهره گردن) رنج می برد. سلامتی او از چند ماه پیش نقصان بیشتری پیدا کرده است و خطر این وجود دارد که در غیاب مداوای لازم فلج شود. بنابراین او باید هر چه سریع تر به یک بیمارستان در خارج از محیط زندان انتقال یابد.

رضا شهابی، علیرغم مشکلات جسمی، از روز ۲۲ نوامبر گذشته دست به اعتصاب غذایی زده که جان او را به خطر انداخته است. ما به شما یادآور می شویم که شما به عنوان نماینده قدرت قضائی جمهوری اسلامی ایران مسئول سلامتی و حفظ جان رضا شهابی هستید. بازداشت آقای شهابی نقض حقوق پایه‌ای انسانی و سندیکائی است. از این رو ما از شما خواستار آزادی بلادرنگ او می باشیم.

از این گذشته به دلیل زیر پا گذاشته شدن همین حقوق ما خواستار آزادی دیگر سندیکالیست‌های زندانی در ایران، از جمله آقای ابراهیم مددی متعلق به همان سندیکای شرکت واحد، علی نجاتی از سندیکای نیشکر هفت تپه، بهنام ابراهیم زاده و... هستیم.

با احترامات فائقه

امضاکنندگان:

از طرف س.اف.د.ت: فیلیپ رنو

از طرف س.ژ.ت: ژان فرانسوا کورب

از طرف اف.اس.او: دومینیک ژیانوتی

از طرف همبستگی-سود: آلن بارون

از طرف اونسا: سعید دروان



## شوراها تنها سازمان‌های کسب قدرت سیاسی هستند

### سخن هفته

#### نقل از فیسبوک توفان

آذر ماه ۱۳۹۰

شوراها تنها سازمان‌های کسب قدرت سیاسی هستند. برای آن تجمع می‌کنند که بتوانند قدرت سیاسی را به کف گیرند و محصول شرایط دوران انقلاب است و در اوج مبارزات کارگری با هدف کنترل و مدیریت و اعمال قدرت طبقاتی تشکیل می‌شود. کنگره شوراها دولتمردان را برای اداره کشور انتخاب می‌کند. کنگره شوراها، حزب نیست، کنگره نمایندگان منتخب مردم است که نماینده اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهد.

شورا و سندیکا علیرغم این که هر دو از جمله تشکلهای کارگری هستند، اولی رکن حکومتی و برای کسب قدرت سیاسی و تغییر بنیادی جامعه است و دیگری تنها برای بهبود شرایط زندگی در چهارچوب مناسبات حاکم سرمایه‌داری در ممالک سرمایه‌داری است و هدفش کسب قدرت سیاسی نیست. نه تنها نباید این دو شکل سازمانی را با یکدیگر عوضی گرفت بلکه مجاز نیست که ماهیت آن را یکی کرد و وظایف مستقل آنها را در هم ریخت و از آن ملغمه‌ای ساخت که زیانش تا به امروز گریبان جنبش انقلابی ایران را گرفته است.

شوراها بدون رهبری حزب پرولتری، حزب مارکسیست لنینیست، فرجامی جز شکست ندارند و دیر یا زود به چرخ دنده بورژوازی تبدیل خواهند شد. طبقه کارگر به حزب خود به ستاد فرماندهی خود برای جنگیدن نیاز دارد. حزب به طبقه کارگر هویت طبقاتی می‌دهد و وی را آگاهانه در مبارزه بغرنج طبقاتی در مسیر درست به حرکت در می‌آورد. تئوری‌های ارتجاعی "بی‌حزبی" از سرکوب‌های رژیم جمهوری اسلامی خطرناک‌تر است. زیرا این تئوری‌ها طبقه کارگر و پیروان راه وی را از نظر فکری و عقیدتی خلع سلاح می‌کند. در حالی که کشتار رژیم‌های فاشیستی که اقدامی فیزیکی است کافی نیست تا از رشد دائمی حزب جلوگیری کند. مبارزه تخریبی عقیدتی عنصر آگاه را فلج می‌کند و آب به آسیاب همان سرکوب فیزیکی می‌ریزد. به این جهت باید با ضد حزبی‌ها، با آنارکو سندیکالیست‌ها، با تروتسکیست‌ها و همه دشمنان ریز و درشت جنبش کارگری با پرچم حزبیت مبارزه کرد. کارگران باید صفوف خود را از افکار مغشوش آنارشویست‌ها پاکیزه کنند و تلاش کنند دامنه اتحادیه‌های کارگری توسعه یابد و شعاراتحاد طبقاتی همه کارگران برای تحقق حقوق حداقل صنفی، سیاسی و مطالبات دموکراتیک برجسته گردد. تنها در این صورت است که می‌توان شرایط پیروزی و پیشروی کارگران را فراهم نمود. جز این نیزراه دیگری متصور نیست.

\*\*\*\*\*

## تلنگری به یادزدائی



اینجا گورستان خاوران است. سند جنایت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، سندی تاریخی که بر کشتار بربرمنشانه هزاران زندانی سیاسی رقم خورده است.

\*\*\*\*\*

سئوالی که این روزها زیاد شنیده می‌شود آیا ما ایرانیان دارای حافظه تاریخی هستیم؟

از احمد کسروی که در مقدمه کتاب "تاریخ مشروطه ایران" نوشت:

« یکی از گرفتاری‌های ایرانیان است که پیش‌آمدها را زود فراموش می‌کنند، و ما می‌بینیم دسته‌های انبوهی آن زمان‌های تیره را از یاد برده‌اند، و از آسایشی که امروز می‌دارند خشنودی نمی‌نمایند و یک چیزی دربابید که همیشه روزگار در هم و تیره گذشته را در پیش چشم اینان هویدا گرداند.» تا شاملو »

من نمی گویم توده ملت ما قاصر است یا مقصر، ولی تاریخ ما نشان می دهد که این توده حافظه‌ی تاریخی ندارد. حافظه‌ی دست جمعی ندارد، هیچ گاه از تجربیات عینی اجتماعی‌اش چیزی نیاموخته و هیچ گاه از آن بهره‌ای نگرفته است و در نتیجه هر جا کارد به استخوانش رسیده، به پهلو غلتیده، از ابتدالی به ابتدالی دیگر - و این حرکت عرضی را حرکتی در جهت پیشرفت انگاشته، خودش را فریفته»

برگرفته از فیسبوک اختر فاضلی

\* \* \* \* \*

## دستچینی از گفتگوها در صفحه فیسبوک توفان پیرامون حمله احتمالی به ایران

حزب کار ایران (توفان) در اوایل ماه دسامبر ۲۰۱۱ بیانیه تحلیلی تحت نام "پیرامون حمله احتمالی به ایران" و دشمنان مردم را بهتر بشناسیم" انتشار داده و به نقد موشکافانه جریانات سیاسی ایران که از تحریم و تجاوز به ایران حمایت می کنند پرداخته و مورد استقبال تعداد وسیعی از علاقمندان سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است. بیانیه ابتدا طی مقدمه‌ای چنین آغاز می کند:

« در ماه نوامبر ۲۰۱۱ "رادبو همیستگی" مصاحبه‌ای با رهبر "حزب کمونیست کارگری ایران" آقای حمید تقوایی ترتیب داد تا نظریات این حزب را در مورد خطر تجاوز به ایران و تاکتیک نیروهای انقلابی، آزادیخواه، دموکرات و کمونیست در قبال جنگ و تجاوز بداند. صفحه خط داری که آقای حمید تقوایی به کار بردند، تکرار همان تئوری‌های پوچ و غیر طبقاتی منصور حکمت است. سخنان ایشان همان نظریات تکراری در حمایت از خط مشی تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در تمام جهان و منطقه است. این حزب همواره حامی تجاوزکاران آمریکائی و اسرائیلی در افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین و لیبی بوده است و طبیعتاً در مورد ایران نیز نمی تواند طور دیگری سخن براند. فرق موضعگیری این حزب در مورد ایران با موضعگیری پیرامون لبنان و یا لیبی در آن است که به علت حساسیت مردم میهن ما و به علت این که مردم ایران در صورت تجاوز، بلا واسطه با خطرات ناشی از تجاوز بربرمنشانه روبرو هستند، آنها نمی توانند سخاوتمندانه و بی پرده از کشتار مردم ایران حمایت کنند و از منافع امپریالیسم و صهیونیسم آشکارا به دفاع برخیزند. به همین جهت سخنان ارتجاعی خویش را در لایه‌ای از مهملات می پیچند تا آنها را برای همگان "قابل بلع" نمایند. تحلیل‌های این حزب، مانند همیشه تهی از مضمون طبقاتی است و با ساختن سناریوهای پیچیده نظیر سناریوی "سیاه و سفید" در گذشته و یا مکمل آن بنام سناریوی "سه جبهه"، خویش را از درگیری با مفاهیم طبقاتی خلاص کنند و به پیچیده گوئی بپردازد.....»

ما به خاطر حجم و گستردگی مقاله تا همین حد بسنده می کنیم و علاقمندان برای دریافت کل مطلب را به تارنمای توفان و ارگان مرکزی حزب رجوع می دهیم. این بیانیه در عرصه فیسبوک و دیگر تارنماهای سیاسی بحث هائی را برانگیخته و موجب واکنش‌های سیاسی و شفاف شدن نظرات گردیده است. هدف بیانیه همین بوده و است که روشن و شفاف به موضوع مشخص خطر احتمالی بپردازد تا سره از ناسره روشن و صف دوستان و دشمنان مردم از هم تمیز داده شود.

برای اطلاع دوستان و خوانندگان نشریه توفان الکترونیکی دستچینی از این بحث و گفتگو که در صفحه فیسبوک توفان حزب کار ایران در ۱۰-۱۳ دسامبر صورت گرفت را می آوریم. به جز اصلاح تکنیکی مطالب، عین نظرات و موضع گیری‌های سیاسی دوستان در فیسبوک از نظر خوانندگان گرامی میگذرد:

**Shahram Bajafi** رفقای عزیز اینان ("حزب کمونیست کارگری") همیشه از چپ سخن گفته‌اند اما راست عمل کرده‌اند، اما در این چنین رخدادهای سیاسی که یک جنبش کمونیستی باید بر اساس وظایف مبارزه طبقاتی نه تنها در مقابل تهاجم امپریالیست‌ها موضع گیری کند بلکه با ایجاد کمپین‌های، وسیع ایجاد جریانات اجتماعی. دست اینان و سایر احزاب که ادعای کمونیست بودن را باز کند. این احزاب در کنار طیف‌های گوناگون و رنگارنگ بورژوازی قرار گرفته و عملاً مبدل به پیشقراول سیاست‌های امپریالیستی تبدیل شده اند. پس امروز بیش از هر روز دیگر ماهیت آن کمونیسم انسانگری که جایگزین مبارزه طبقاتی شده بود و پرچم سفید را افراشته بود، روشن تر می شود؛ و اهداف تمام آن به اصطلاح نقد لنین، در واقع کوبیدن مارکسیسم لنینیسم و تهی کردن مارکسیسم، مشخص تر می شود، امپریالیسم نه تنها در جناح‌های بورژوازی بلکه در جناح‌های دیگر با ماسک کمونیسم سرمایه‌گزارى کرده است تا مبارزات طبقه کارگر را به انحراف بکشاند و یا سرکوب کند

**Toufan HezbeKar** رفیق عزیز شهرام، با شما موافقم. باید مبارزه ایدئولوژیک را تشدید کرد تا سره از ناسره روشن شود تا مردم ماهیت جریانات سیاسی را بهتر بشناسند. مقاله فوق در این جهت گام بر می دارد و در این بستر هر فرد مبارزی باید تکلیفش را روشن کند که در کجا ایستاده است. موفق باشید

**Esfand Fazeli** آخر و عاقبت همه کسانی که از استعمار و "تمدن استعماری" فضیلتی ساخته، همین است. دفاع بیشرمانه از تجاوز نظامی به افغانستان، عراق، لیبی، لبنان و فلسطین با توجیه جنگ تمدن‌ها و این بار توجیه تجاوز احتمالی به ایران.. بیانگر ماهیت ارتجاعی آنهاست. مقاله به درستی انحرافات و خطوط خائنانه و ضد ملی و ضد انسانی دارودسته و ظنفرشان را نقد و بر ملا کرده است

**Nima Namdar** جنگی که امپریالیست‌ها راه بیاندازند برای آزادی و حقوق دموکراتیک مردم ایران نیست برای اسارت ایران است. باید خان و فرومایه بود تا مدعی شد، امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها هوادار آزادی و دموکراسی و تحقق حقوق بشر و عدالت اجتماعی در ایران هستند و برای این منظور به ایران می‌آیند تا این حقوق را برای مردم ایران به ارمغان بیاورند و از کشور ما بهشت برین بسازند. انسان باید سفیه و احمق باشد تا چشم بر تمام واقعیات کشتار و ویرانی کشورهای تحت اشغال امپریالیست‌ها نظیر عراق و افغانستان و لیبی ببندد و خواهان تجاوز نظامی به ایران باشد. این گونه افراد و سازمان‌ها به خاطر منافعشان خود را به اجانب فروخته‌اند، سکوت و مامشات در قبال توطئه‌های امپریالیست‌ها و مزدوران‌شان غیر قابل بخشش و خیانت به مردم ایران است. برانداختن نظام استبدادی سرمایه‌داری جمهوری اسلامی وظیفه داخلی مردم ایران است و نه نیروهای غارتگر استعماری.

**Pooyan Amir** این ادبیات کلیشه‌ای شما بسیار کسل کننده و بی شکل است. اصلاً نه از سیاست بونی برده و نه از زیبایی ادبی و نوشتاری. این تصور را به انسان می‌دهد که گویا هنوز هم در سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۶۰ به سر می‌بریم! البته این که شما در همان سال‌ها در جا زده‌اید هیچ جای شک و تردید نیست! جبهه دشمن مردم ایران جانی است که کلی گویان بی عمل فقط کلی گویی می‌کنند ولی عاجز از یک عمل و یا یک پیشنهاد عملی! واقعیت این است که یا خامنه‌ای داوطلبانه می‌رود و راه را برای انتخابات باز می‌کند و یا این که با کمک‌های بین‌المللی ساقط می‌شود. این جور که شما می‌نویسید، روزنامه کیهان هم می‌نویسد. والا این یک کمی مشکوک است!

**Nima Namdar** امیر عزیز، این که موضع گیری روشن علیه اشغال کشورها و اشاره به فجایع کنونی، از عراق گرفته تا افغانستان و بمباران لیبی.. و اکنون تشدید تحریم‌های اقتصادی ایران و خطر تجاوز نظامی به ایران برایتان کسل کننده است و از "زیبایی ادبی" نام می‌برید، نشان از این است که شما مخالف تجاوز و تحریم اقتصادی ایران نیستید و به عبارت دیگر شما موافقید. مقاله فوق به نقد حزب آقای "تقوانیسم به اصطلاح کمونیست کارگری" و همه جریانات خود فروخته پرداخته و با منطق و استدلال قوی آن را محکوم و افشاء کرده است. شما این افشاگری را نمی‌پسندید، این حق شماست که نپسندید. اما مردم ایران به همه کسانی که موافق تجاوز به ایران و نوکری امپریالیسم را پذیرفته‌اند، تف می‌ریزند و محکوم می‌کنند. تعیین تکلیف با رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی ربطی به امپریالیست‌ها ندارد. این وظیفه داخلی مردم ایران است

**Pooyan Amir** نیما جان! مردم به خوبی از اهداف قدرت‌های خارجی آگاهند و قدم‌ها از من و شما جلوتر پیش می‌روند. حالا این دکان دو نبش به اصطلاح افشاگری شما به چه کار می‌آید خود جای بحث می‌باشد. کُنه مطلب این است که شما در عمل مانند قذافی و اسد و رژیم ملاتریا صحبت می‌کنید. اگر حمایت نیروهای ناتو نبود الان وضع لیبی بدتر از سوریه می‌بود. بحث این است: اسد داوطلبانه برود و مردم با انتخابات خود تعیین کنند سرنوشت خود را! مسئول ویرانی جنگ نیروهای سیاسی خواهان حمایت بین‌المللی نیستند بلکه خود اسد می‌باشد و بس! حرف‌های دیگر مانند شما و تحلیل شما در واقع و در عمل کمک به دیکتاتورها و مرتجعین است، این امر در مورد خامنه‌ای هم صادق است. مسئول حمله احتمالی، خامنه‌ای است و نه مردم عاصی! با خودتان صادق باشید. شبیه تحلیل بالا را در کیهان هم خواندم. در ضمن زیبایی ادبی شرط مرکزی هر نوشتار عمومی است و این را در همه آثار مارکس می‌بینیم.

**Esfand Fazeli** جناب امیر پویا، شما بدون هیچ شرمی بمباران لیبی توسط پیمان نظامی ناتو را مثبت ارزیابی می‌کنید. ناراحتید که چرا آمریکا هر چه سریع‌تر ایران را بمباران نمی‌کند. اما اگر جنگی در بگیرد که در شرایط کنونی احتمالش کم است در آن صورت ایران به مخروبه بدل خواهد شد. شهودی که از لیبی آمده‌اند، گزارش می‌دهند که شهرهای لیبی مانند شهرهای آلمان بعد از جنگ جهانی دوم مخروبه‌اند. همین که اخباری از لیبی به گوش مردم نمی‌رسد، همین که رسانه‌های گروهی بعد از قتل معمر قذافی و روی کار آمدن حکومت دست نشاندۀ لیبی از خرابی‌ها و کشتار جنگ و عقد قراردادهای پر نان و آب خبری نمی‌دهند، نشانه دامنۀ و عمق فاجعه در لیبی است. چقدر زشت است که کسی با نام مارکسیسم از امپریالیسم و استعمار و تجاوز به کشور دفاع کند. چنین فردی یا خودفروخته است و یا نادان و ابله

**Nima Namdar** حزب آقای منصور حکمت (ح. ک. ک. ا.) که در دفاع از رژیم صهیونیستی اسرائیل و مزدوری برای امپریالیسم در منطقه شهره است و بدان افتخار نیز می‌کند، یکی از جریانات ارتجاعی، ضد مردمی و ضد ایرانی است که مدام بر طبل تجاوز به ایران می‌کوبد. اگر می‌خواهید مچ این گروه ضد کمونیستی و خائن را بگیرید، بپرسید چرا اینان از تجاوز به افغانستان و لیبی... دفاع کرده و مخالف خروج فوری و بی قید و شرط نیروهای متجاوز و استعماری از عراق و افغانستان... هستند. بپرسید چرا اینان از بیانیۀ روشنفکران و فعالان سیاسی داخل ایران در مخالفت با هر نوع تجاوز به ایران، مخالفند. بپرسید چرا اخاذی مالی از اسرائیل مجاز شمرده شد و چرا اسرائیل نژاد پرست را "نظام" دموکراتیک و متمدن" تبلیغ کرده و می‌کنند. باید نقاب از چهره این وطنفروشان درید تا صف دوستان و دشمنان مردم ایران شفاف و روشن گردد.

**Sirous Jafari** به هر تقدیر جنگ زرگری بین جمهوری اسلامی و کشورهای غربی و یا امپریالیستی روزی به پایان می‌رسد، و کشورهای امپریالیستی برای حفظ منافع اقتصادی خود که همانا اطمینان خطر و دفاع از حفظ سرمایه است به کشورهایی نظیر ایران و یا سوریه حمله و کار رژیم را به احتمال زیاد به پایان می‌رسانند، همان طور که این عمل در بعضی کشورها به صورت نظامی و بعضی به صورت پشتیبانی سیاسی و سرنگونی رژیم‌های دیکتاتور انجامید. در این شرایط وظیفه به اصطلاح نیروی انقلابی چیست. آیا نشستن کنار گود و شعار دادن که کی و یا چه شخصیتی ضد منافع مردم و ضد انقلابی است، که هیچ دلیل و مدرکی را به همراه ندارد به نظر کدام عاقل و بالغ مورد قبول واقع می‌شود و یا اصلاً کسی را برای پذیرفتن این ایده، قانع می‌کند. حالا بعد از این گفتار، اگر که کشورهای امپریالیستی هم به ایران حمله کنند و این حمل و سیاست همه خارج از تصمیم و قدرت نداشته‌است که حتا کوچک‌ترین اتحادی را هم ندارم، ما چه موضعی را باید اتخاذ کنیم.

**Shahram Bajafi** بسیاری از مطالبی را که می خواستم بگویم، رفقای دیگر زحمت کشیده و آن را به تحریر درآوردند که

دیگر تکرار نمی کنم.

آقای پویان عزیز، مسلماً خیلی ها باید از افشاگری (از نظر شما، "دکان!!!") باید بترسند، چون قدم بعدی موضع گیری سیاسی است که پایه پراتیک است و در اینجا است که درجه استقلال یا سرسپردگی افراد مشخص می شود و عناصر آزادیخواه و عدالتخواه با مشتی مزدور و سرسپرده، خواه وابسته به ویروس ارتجاع اسلام حاکم بر ایران و خواه به نظام های امپریالیستی مرز بندی می کنند، عجیب است که شما خودتان را ضد رژیم معرفی می کنید، اما منابع و مرجع شما مدیای رژیم است که از هر جایی لغتی و عبارتی را دزدیده و سازمان دهی مدیانی را به وجود آورده که هدفش حفظ پایه های قدرت توتالیسم اسلامی در ایران است، از طرفی دیگر شما همان نسخه های پیچیده شده نظام های امپریالیستی را، از جایگاه این که شما خیلی هوادار یک ادبیات سیاسی پیشرو هستید (!!)، به صورت بسیار غیر حرفه ای، اگر نگویم بچگانه، تکرار می کنید که مردم ایران مثل سایر ملل تحت ستم باید بین مرگ رژیم های دیکتاتوری و تب تجاوز نظامی، جنایت، تخریب و غارتگری نظام های امپریالیستی و جانشینی دیکتاتورهای بعدی، انتخاب کنند!!!! در واقع شما دارید جنایات ماشین جنگی آدم کشان "ناتو" را که در واقع مسیر را برای حرکت سرمایه جهانی شده هموار می کند به واسطه جنایات رژیم های دیکتاتوری در لیبی، سوریه، ایران... توجیه می کنید، اگر شما اسم این را ادبیات سیاسی می گذارید، من به شما می گویم که حال آدمی از این ادبیات سیاسی به هم می خورد که دنباله همان ادبیات جنایتکاران و خونریزان تاریخی است.

آقای پویان عزیز، بین مزدوران، پاسداران و جنایتکاران ویروس ارتجاع اسلام حاکم بر ایران، و خود فروختگان، حقوق بگیران و پادوان نظام های امپریالیستی که این روزها بر طبل تحریم اقتصادی (نسل کشی انسان ها) و جنگ می کوبند، هیچ اختلافی وجود ندارد، چون هر دو روی سکه جنایت، خیانت و فساد علیه انسان ها هستند، اگر در هر انسانی به اندازه ذره ای از وجدان انسانی و سیاسی وجود داشته باشد جنایات هر دو طرف را محکوم می کند و در صحنه اجتماعی اعتراض می کند، و نه توجیح کردن یکی به واسطه دیگری و مبدل شدن به دنباله امپریالیسم.

**Jafari Sirous** بدون شک سرنگونی کشورهای وابسته و دیکتاتورمنش با هر سیاستی اگر هم غلط، نتیجه جدیدی به جا خواهد گذاشت. در این کشورها مسلماً هنوز تا رسیدن به دموکراسی راه طولانی هست که پیمودنش کار ساده و آسانی نخواهد بود. ولی از این که ما مشخص نکنیم که دیکتاتورهای نظیر اسد قاتل که باعث مرگ بیش از ۱۰۰ هزار نفر شد، و هم چنین قذافی و یا غیره همه نوکران بی چون چرانی بیش نبودن که نمی توانیم از روی طناب پریده و دیگران را مورده فحاشی قرار بدهیم. در حال حاضر ما تست مردمی را که سال های سال در زیر یوغ دیکتاتوری بودند می بینیم، که هنوز بیچاره ها مضمون انتخابات را هم به عنوان دفاع از منافع خود نمی دانند، و در انتخابات برای خاطر خدا و در راه خدا به احزاب اسلامی رأی می دهند. همان چیزی که ملت شریف ایران بعد از انقلاب ۵۷ روبرو شدند، ولی باید عرض کنم که این شرایط آن شرایط نیست و این مردم و این نسل هم آن نسل نیست. بزودی دستاورهای جدیدی از مردم این کشورها برای دفاع از منافع اقتصادی شان را خواهیم دید که باری دیگر نه برای خدا و رسولش و نه برای ریش و پشم اسلامی پیشیزی قائل خواهند بود. شکست جمهوری اسلامی، ملت ایران را به این مجبور نخواهد کرد که به احزاب اسلامی و در راه خدا و رسول خدا رأی بدهند، بلکه مردم ایران در راه منافع اقتصادی و آزادی قلم رأی خواهند داد، و ما باید که این شرایط را خوب درک بکنیم.

**Sirous Jafari** به اعتقاد من جمهوری اسلامی به وسیله مردم ایران شکست خواهد خورد، و هیچ نیروی نظامی هم پا به خاک ایران نخواهد گذاشت، مگر این که شاید به تاسیساتی که آن هم احتمالش بسیار ضعیف است حمله کنند. حمله به ایران نیروی بیش از ۴۰۰ الی ۵۰۰ هزار نیروی نظام و با پشتیبانی یک میلیون نیرو را احتیاج دارد، دلیلش هم موقعیت جغرافیایی و خطر آن بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است، نه این که حکومت اسلامی ایران، ولی باید که تدارک لجستیک این نیروی نظامی را در نظر گرفت، و هیچ کشوری و یا کشورهایی در این شرایط بحران اقتصادی قدرت آن را ندارند. لطفاً همراه با جمهوری اسلامی شعار پاسداران و حکومت اسلامی را این قدر سر ندهید. البته شما اگسپرت مسائل نظامی نیستید و اطلاعاتی هم در این مورد ندارید و من شخصاً به شما پیشنها مطالعات کتاب های نظامی و جنگ های متفاوت را می دهم که یک کم پخته تر قضاوت بکنید.

**Shahram Bajafi** بحث در امور سیاسی و تحلیل رخدادهای سیاسی باید از اصول علمی ضمن بررسی فاکت های تاریخی، صورت پذیرد، در این میان باید به طور اخص به کمیت و کیفیت امپریالیسم توجه کرد، جا به جا شدن دیکتاتورها با کمک توطئه های سیاسی، کودتای نظامی، و یا بدترین نوعش که در این عصر نظام های امپریالیستی با بهانه های مختلف با حمله نظامی کشورها را اشغال می کنند و رژیم های دیکتاتوری را جانشین می کنند، نه تنها دستاوردی برای ملت ها به ارمغان نمی آورد بلکه باعث تخریب در تمامی زمینه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شده و فرصت بازسازی و رشد از ملت ها سلب می شود، رشد اقتصادی بدون استقلال و آزادی ممکن نیست، چون امپریالیسم با رژیم دست نشانده اش فرهنگ غالب خویش و روابط استثماری جدید اجتماعی را بر جامعه تحمیل می کنند که این فقر، محرومیت و سرکوب را برای ملل در پی خواهد داشت که ما نمونه های آن را در عراق، افغانستان، یوگسلاوی سابق، جمهوری های جدا شده از شوروی سابق می بینیم.

**Sirous Jafari** آقا شهرام آذربایجان یکی از کشورهای جنوب روسیه است که در عرض چند سال آینده از نظر سازندگی و پیشرفت دست همه کشورهای خاورمیانه را خواهد بست، پیشرفت این کشور در عرض ۳ سال گذشته بی نظیر بوده است

**Shahram Bajafi** این مهم نیست که پاسداران و ارادل و اوپاش دیگر ویروس جمهوری اسلامی چه غلطی کرده، شعار و عربده کشی می کنند، بلکه این کارزار عظیم تهدید و حمله نظامی نظام های امپریالیستی است که جریان دارد که ذهنیت مردم را برای اجرای سیاست های امپریالیستی، در مرحله ای اگر فرصت اجرای آن را پیدا کنند، هموار می کند، عراق یک فاکت بارز آن است، تحریم اقتصادی و این جنگ تبلیغاتی گسترده، تهدید و حمله نظامی مراحل بسیار خطرناکی هستند که با آن باید مقابله به مثل کرد

**Sirous Jafari** آقا شهرام چنین تاکتیکی نیروهای انقلابی را با جمهوری اسلامی هم خط می‌کند، که اگر کسی به جمهوری اسلامی حمله بکند باید به همراه جمهوری اسلامی، با آن نیروی متخاصم جنگید. نمونه تاریخی حمله ژاپن به روسیه تزاری و شعار نیروی انقلابی برای سرنگونی تزار و ترک جنگ را نباید به فراموشی سپاریم. حمله نیروهای متخاصم به آلمان و مبارزه نیروهای انقلابی آلمان با فاشیست به همراه قوای سرخ، و یا مبارزه نیروهای انقلابی ایتالیا و اعدام موسیلینی را می‌توانم به عنوان نمونه‌های انقلابی برای شما نام ببرم. حکومت اسلامی رمی برای انقلابیون نگذاشته. رهبران را همه ترور و قتل عام کرده، شعار دفاع از وطن در زیر سایه جمهوری اسلام یعنی در خدمت بودن جمهوری اسلامی و نیروهای که خواهان آزادی و دموکراسی هستند از زدن و بی‌شهادت هم‌چنین موضوعی دوری می‌کنند. من به نوشته‌های شما و نظر شما مشکوکم.

**Shahram Bajafi** آقای سیروس عزیز، بسیاری از همان کشورهای بلوک شرق سابق در اوایل زمان ورود سرمایه جهانی شده و کمپانی‌های فراملیتی این چنین رشدی را مثل آذربایجان مورد نظر شما داشته‌اند، اما بعد از تولید، غارتگری از ثروت تولید شده و منابع طبیعی، نابود کردن محیط زیست که توسط همان سیاست‌های سرمایه جهانی شده، دیکته شده بودند، فقر، بیکاری، محرومیت شدیدی را به آنان تحمیل نمودند، به طوری که بسیاری از آنان مبدل به پایگاه ناتو شده‌اند، گذشته از این که در آنان رژیم‌های بسیار فاسدی که مورد حمایت غرب هستند، حکومت می‌کنند

**Shahram Bajafi** آقای سیروس. مبارزه با ویروس جمهوری اسلامی حاکم بر ایران جزئی جدا نشدنی از مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع است، اگر کسی غیر از این بگوید یک شارلاتان سیاسی است، در ضمن از طرف من لطفاً جعلیات نکنید، من هرگز به این مزخرفات دفاع از وطن زیر سایه جمهوری اسلامی اعتقادی نداشته‌ام، در ضمن تاریخ را بهتر مطالعه کنید، شرایط کمونیست‌های انقلابی ایتالیا، سایر نیروهای کمونیستی دیگر در زمان جنگ جهانی دوم و وضعیت سرمایه آن روز قابل قیاس با شرایط امروز نیست، در ضمن به جای گفتن این مزخرفات، "که به شما و نوشته‌های شما مشکوکم"، اول از همه ماهیت خودتان را روشن کنید چون از این نوع شیوه‌های ترور سیاسی و شخصیتی افراد توسط مزدوران دستگاه اطلاعاتی رژیم در خارج از کشور مورد استفاده قرار گرفته شده است و این حنا دیگر رنگی ندارد

**Sirous Jafari** شهرام جان من از نوشته‌های بالا این مضمون را درک کردم چیز مستقیمی در مورد دفاع از وطن ندیدم ولی این احساس را کردم که منظور چنین است. ولی از این که شرایط سرمایه‌داری آن زمان با شرایط کنونی فرق می‌کند هیچ شکی نیست، در آن شرایط سرمایه و کارتل‌های بزرگ جهانخوار هنوز به این شکل نرسیده بودند ولی در روند جهانی کردن سرمایه بودند که امروز بعد از جهانی شدن سرمایه به وسیله بانک‌ها و کنترل تولید سرمایه، با یک بحران سرمایه جهانی در تمام شئون سرمایه روبرو شدند، و راه نجات از این بحران فقط کنترل سرمایه به وسیله تولیدکنندگان آن است، دیر و یا زود اتحادیه کارگران این قدرت را در دست خواهند گرفت. ما نمونه آن را در کشور برزیل و پرو و آرژانتین می‌بینیم. که یک بیکاری و دوم هم وضعیت درآمدی کارگران قابل مقایسه با رژیم گذشته نیست. البته هنوز مدینه فاضله نیست ولی راهی طولانی هم برای رسیدن به آن در کشورهای صنعتی باقی نمانده است.

**Poovan Amir** آقای اسفند گل از نوشته پر بار شما چنین بر می‌آید که شما لیبی و سوریه را ضد امپریالیست می‌دانید و حسابی کف کرده‌اید که قذافی ضد امپریالیست شما این جور رفت و آمد متری شما هم بزودی به وی خواهد پیوست! در ثانی اگر بخواهم با همان ادبیات پر بار شما صحبت کنم که بهتر بفهمید خود فروخته و نادان و ابله خود شما تشریف دارید چرا که سرنوشته شما چیزی جز چند گنده گویی مبتدل بیش نیست و در آخر ۳ عدد فحش. مگر سوسیالیسم کذابی در اروپای شرقی نتیجه مداخله نظامی شوروی زمان استالین نبود؟ آقای خود نا فروخته اما کم سواد ما گفتیم عامل و مسنول حمله احتمالی خامنه‌ای است همان طور که مسنول خرابی لیبی خود قذافی بوده. در ضمن پیشنهاد می‌کنم که کامنت‌های خود را بدون زیر بنا اونلاین نکنی! سرت سبز و لبت شاد! راستی به آقای نیما نامدار هم باید تذکر داد که چی‌چی زدی به صحرای کربلا؟ اصلاً موضوع صحبت ما این نیست که مرقوم فرموده‌اید

**Shahram Bajafi** باید در رابطه با موضوعات فوق بیشتر بحث کنیم، مستمر و گسترده تا به سازمان دهی برسیم؛ تا اجرائیات داشته باشیم؛ باید آمادگی داشته باشیم:

قبل از تجاوز امپریالیست‌ها، در این کارزار امپریالیستی تحریم اقتصادی (نسل کشی انسان‌ها) و تهدید حمله نظامی، این جنایتکاران با مדיای الیگارشسی در حال آماده کردن ذهن مردم برای تهاجم هستند تا فرصت مناسب را به دست آورند، نباید به این بسنده کنیم که الان شرایط اقتصادی، سیاسی اجتماعی امپریالیست‌ها چه در داخل، چه در خارج و بحران اقتصادی سرمایه جهانی شده اجازه این کار را به آنان نمی‌دهد، ما هم همان کارزار تبلیغاتی ضد جنگ و ضد تحریم اقتصادی علیه امپریالیسم در قلب همین بورژوازی را باید به راه بیندازیم، گذشته از این که تحریم اقتصادی رابطه حیاتی با مبارزات مردم ایران با ویروس اسلامی حاکم بر ایران و در فردای آزادی بعد از سرنگونی رژیم دارد. تحریم اقتصادی، "گروگان‌گیری" مردم ایران است که توسط امپریالیست‌ها صورت گرفته است، امپریالیست‌ها با تحریم اقتصادی جلوی بازسازی و رشد مردم ایران را در فردای آزادی و سرنگون ساختن رژیم اسلامی، خواهند گرفت، زیرا آنان رژیمی را می‌خواهند بر سر کار بیاورند که منافع کثیف سرمایه جهانی شده را تأمین کند که این در تضاد با استقلال و آزادی واقعی مردم ایران است، امروز بهانه ویروس ارتجاع اسلام حاکم بر ایران، برنامه‌های هسته‌ای و ماشین ترور آن است، یعنی همان رژیمی که به مدت ۳۱ سال در بستر سیاست‌های اکتبر-سوپرایز، ایران - گیت، ایران کنتر، گفتگوهای انتقاد آمیز، گفتگوهای انتقاد آمیز معنی دار همه حمایت‌های اقتصادی، سیاسی را از این رژیم کردند و هستی مردم ایران را غارت کردند که در تاریخ نوین ایران بی سابقه است، و در فردای آزادی بهانه دیگری را خواهند تراشید تا بتوانند نماینده سرمایه جهانی شده را در ایران بر سر قدرت بیاورند، اما سوال این است که چرا احزاب کمونیست (ادعای کمونیستی می‌کنند) و یا سایر نیروها که هواداری از سرنگون کردن ویروس اسلامی حاکم بر ایران، استقلال و آزادی دارند سکوت کرده و در بی عملی با بهانه‌های

مختلف به سر می برند و همسو امپریالیست‌ها شده‌اند و حرف‌های آنان را تکرار می کنند و این خانان تجاوز احتمالی امپریالیست‌ها و تحریم اقتصادی (نسل کشی انسان‌ها) را به واسطه وجود ویروس جمهوری اسلامی توجیه می کنند، بین این پاسداران امپریالیست‌ها و آن پاسداران جمهوری اسلامی هیچ تفاوتی وجود ندارد، ما حتی یک صفحه ساده فیسبوکی ضد جنگ و ضد تحریم اقتصادی، علیرغم وجود ده‌ها سازمان سیاسی، هنوز نداریم که بتوانیم به این بحث‌ها دامن بزنیم تا به یک سازماندهی و اجرانیات برسیم تا تأثیر گذار در داخل باشیم، در طرف دیگر ما، متشکل از مشتی مزدور خودفروخته جهت گذر زندگانی کثیفشان و حفظ دو سکه سیاه و موقعیت اجتماعیشان و کاسه لیبی از اربابانشان در این جوامع بورژوازی میدل به بلندگوهای امپریالیسم شده و جنگ و تحریم اقتصادی را تبلیغ و توجیه می کنند، من به اینان می‌گویم که ننگ و نفرین بر شما باد که تا دیروز در کنار سفره خلق تان خوردید و رشد کردید اما امروز از جایگاه خیانت، پستی بر صورت خلق تان پنجه می کشید؛ شماها از تبار همان دیو آدمخوار، خمینی جام زهر خورده هستید، من دیرتر در رابطه با مرحله احتمالی تهاجم امپریالیست‌ها به ایران کامنتی خواهم گذاشت و سوالاتم را مطرح خواهم کرد

**Nima Namdar** امیرخان، خاتمه ازپای بست ویران است. شما از جریان آلوده و مشکوکی دفاع می کنید که بیش‌رمانه از تجاوز امپریالیست‌ها به ایران دفاع می کند. نتیجه دفاع منصور حکمت رهبر حزب "کمونیست" ضد کارگری از بمباران افغانستان و مثبت ارزیابی کردن اشغال آن چیزی جز ویرانی بیشتر و درد و مشقت روز افزون و بمب‌های سفید فسفری نبوده است. اگر انسانی در اثر تبلیغات رسانه‌های امپریالیستی شستشوی مغزی نشده باشد و با مغز مستقل خودش بیاندیشد تجاوز بربرمنشانه نظامی به افغانستان، لیبی، عراق، یوگسلاوی، تحریم اقتصادی ایران و سوریه، بمباران فلسطین و لبنان را قویاً محکوم می کند و از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حمایت می نماید. آنان که طفره می روند و جویده، جویده سخن می گویند و از تجاوز به کشورها دفاع می کنند جیره خواران امپریالیسم و صهیونیسم و در بهترین حالت جاهلان سیاسی هستند که عملکردشان به نفع امپریالیسم است.

**Poovan Amir** دشمن دانا که غم جان خورد بهتر از آن دوست که نادان بود! خط شما آقای نیما همان خط خامنه‌ای است نه کم و نه بیش! ثروت ایران را اکنون مشتی نادان و آخوند جماعت می خورند و در ضمن به همان امپریالیست‌ها هم به وفور می دهند. پس شما زیاد ناراحت نباشید این امپریالیست‌ها که شما زیاد بلغور می کنید بیشتر از دوران شاه از ایران سود برده و می برند و ملایان هم برای حفظ خود به هر خفتی تن می دهند. ایران نفت خود را از همه ارزان تر به همان امپریالیست‌های ملعون شما می فروشند. شما طبق معمول شعارهای گنده ولی تو خالی می دهید مثل جمهوری اسلامی! می بینید اینجا شما یک مخرج مشترک آشکار با هم دارید. پس با خودتان صادق باشید حالا کی جاهل سیاسی تشریف دارد؟ در ضمن نمیدونم چرا عین آدم‌های هیستریک زود همه را به این آقای حکمت وصل می کنید؟ مجبور شدم برم بیشتر بگردم تو اینترنت دنبال این آقا! اگر کسی هم شستشوی مغزی شده باشد از ظاهر امر چنین بر می آید که شستشوی مغزی کسی شده که فکر می کرد سوسیالیسم ماست و خیار انور خوجه حلال مشکلات جهانی بوده! یک کمی تایم اوت بگیر و استراحتی بکن شاید از ذهنیت خود گول زنانه و خود فریبی بیرون آیی! در آخر باز تکرار می کنم مسئول حمله احتمالی خود خامنه‌ای است!

**Sirous Jafari** آقا نامدار شما موضعت در مقابل جمهوری اسلامی چیست و این همه جنایتی که جمهوری اسلامی علیه مردم ایران شده است را چه نامی می دهید. با یک داستان کلی گوی که جمهوری اسلامی هم یک سیستم سرمایه‌داریست که حرکتش و دزدی‌هایش همخوانی با کشورهای سرمایه‌داری ندارد و به صحرای کربلا زدن که پاسخ نیست. در ضمن من از اول هم سوال کردم، لطفاً اول خوب بخوانید و بعد به همه حمله کنید

**Nima Namdar** کسانی که در مقابل سنوآل مشخص محکوم کردن تحریم اقتصادی و حمله احتمالی به ایران طفره می روند، افراد و جریاناتی که موافق تجاوز و بمباران عراق و افغانستان و لیبی و یوگسلاوی.. و هورا کش امپریالیسم جهانی بوده و هستند، جیره خواران استعمار و مدافع توحش و بربریت امپریالیسم و صهیونیسم می باشند. حقیقتاً شرم آور است که افرادی نام انسان بر خود نهند اما حامی تجاوز به ایران باشند. اپوزیسیون خودفروخته و جانورصفت عراق در همدستی با امپریالیسم آمریکا کشور عراق را صد سال به عقب پرتاب کرد، ۲,۵ میلیون کشته برجای گذاشت، چند میلیون آواره شدند، زندان "ابو غریب" به الگوی حقوق بشر امپریالیست آمریکا و متحدینش تبدیل شد.... حال عده‌ای گمراه سیاسی پیدا شدند به جای درس آموزی از این فجایع از سناریوی قتل عام مردم ایران و تکه پاره کردن کشور حمایت می کنند.. این جماعت چشم امید به امپریالیست‌ها بسته‌اند. هیچ اعتقادی به قدرت مردم ایران و سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ندارند. مقاله تحلیلی بالا همه نوکران ایرانی امپریالیسم و همه آشفتگان سیاسی را به چالش گرفته تا تکلیفشان را در مقابل تحریم و تجاوز به ایران روشن کنند. هرگونه حاشیه پردازی و طفره رفتن سیاسی موجب بی اعتباری بیشتر و سندی در حمایت از سیاست غارتگرانه و توسعه طلبانه امپریالیسم در منطقه و جهان است. براندازی رژیم استبدادی و سرکوبگر جمهوری اسلامی وظیفه داخلی مردم ایران است. همان طور که سرنگونی رژیم صدام حسین وظیفه داخلی مردم عراق بود و نه نیروهای امپریالیستی برای تصرف کشور و تبدیل آن به پایگاه نظامی و قتل و غارت مردم.

**Esfand Fazeli** چه در آستانه جنگ و چه در زمان وقوع جنگ تنها دو جبهه وجود دارد. جبهه همه ایرانیان میهن دوستی که مخالف تجاوز به ایران هستند و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را وظیفه داخلی مردم ایران می دانند و جبهه هواداران تجاوز به ایران که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را نیز با یاری امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها نظیر احمد چلبی و یا محمود جبرئیل در دستور کار خود قرار داده اند. این ایرانی‌های خود فروخته هرگز مورد احترام و اعتماد مردم ایران نخواهند بود

**Sirous Jafari** باز هم که به صحرای کربلا زدی،، اولاً کسی به ایران حمله نمی کند! دوماً در بالا من مشخص کردم که چرا به ایران حمله نمی کنند. سوماً تنها کسانی که خواستار همچنین بحث غلطی هستند فقط آیت الله‌ها و دارا و دسته اهشام حزب الله هستند، و آن هم برای نجات رژیم برای سازماندهی اوباشان و سرکوب انقلاب به این بحث دامن می زنند. در ضمن اگر کشورهای ناتو به ایران حمله کنند، شما به عنوان یک ایرانی که هنوز هم من یکی نفهمیدم در کدام طرف قرار دارید، وظیفه شما چیست و چگونه عمل خواهید کرد. این قدر شعار تو خالی ندهید، آیا هم با غرب و رژیم می جنگید و یا فقط با غرب کدام یک حالا اگر ناتو به ایران حمله بکند آیا شما قدرت و توی آن را دارید. به هر حال حرفی بزنید که با واقعیت نزدیک باشد.

**Toufan HezbeKar** آقای محترم، سیروس نازنین، شما از کجا می دانید و مطمئن هستید که در آینده به ایران تجاوز نخواهند کرد. مگر تجاوز شاخ و دم دارد. اکنون هواپیماهای بی سرنشین آمریکا بر فراز حریم هوایی ایران چه می کنند؟ آمریکا نیز تصدیق کرده که هواپیمای بی سرنشینش مرز هوایی ایران را نقض کرده اما بدون منظور بوده است؟! آیا شما موافق آن هستید؟ تحریم اقتصادی خود نوعی جنگ علیه مردم ایران است. حزب ما در مقاله فوق به سوال شما پاسخ داده است گویا دقت بخراج نداده‌اید تا پی به علل تحولات منطقه و توطئه‌های امپریالیست‌ها علیه مردم ایران ببرید..... حزب ما خواهان استقرار دموکراسی و آزادی در ایران با نیروی مردم است و نه اجانب. ما شما را به مطالعه عمیق تر مقاله تحلیلی حزب دعوت می کنیم، شایسته است به عنوان یک ایرانی دلسوز و آزادیخواه به دلسوزانی ممالک امپریالیستی دل نیندید، سرنگونی رژیم اسلامی را وظیفه خود و مردم ایران بدانید و نه نیروی خارجی. ما موافق آن نیستیم که رژیم اسلامی به قیمت نابودی ایران توسط امپریالیست‌ها سرنگون گردد. این امر وظیفه مردم ایران است. موفق باشید

**Sirous Jafari** نظرات و تحلیل‌های شما، از نظر شما و یا حزب شما و به نظر شماست، همان طور که احزاب دیگر هم نظرات متعددی دارند. ولی هیچگونه دلیلی به صحیح بودن نظرات هیچکسی وجود ندارد، هر آنچه که من و نظر من است، به نظر من و کسانی که مثل من فکر می کنند درست است، نه چیزی دیگر. این موضوع بحث فقط دیالوگ من و شما و دیگران را به شیوه دموکراتیکی بیان می کند. این که کدام نظر درست است تاریخ در موردش قضاوت خواهد کرد. من فکر نمی کنم هیچ کسی طرفدار کشتار مردم لیبی و یا عراق و سوریه باشد. ولی دیکتاتورهای وابسته به امپریالیسم با شکل و شمایل قدیم مورد پذیرش حتا سیستم سرمایه امروزی هم نیستند. کشتن صدام و یا قذافی و یا فرار حسینی مبارک و یا علی تونس و بقیه دیکتاتورهای یک مسئله اجتناب ناپذیر است که هیچ کسی قادر به جلوگیری آن نیست. به وسیله مردم و یا به وسیله اربابشون **هیأت** ننگینشون به پایان خواهد رسید. در ضمن ترک شاه و یا شکست شاه از ایران هم خود آمریکا بدنبال قضیه بود. در غیر آن صورت میلیون‌ها انسان بیگناه کشته می شدند. در حال حاضر گویا شما هیچگونه اطلاعاتی از وضعیت مردم فقیر جامعه ایران ندارید، حتی کارگران و همه کارکنان دولتی در خیلی از استان‌ها از گرفتن حقوق خود هم محروم مانده‌اند. حالا من نمی دانم منظور این همه شعار چیست. ملت عراق از سرنگونی صدام کاملاً عاجز بودند، و هم چنین ممالکی دیگر نظیر لیبی و مصر و تونس و بعد هم سوریه و همچنین ایران بدون پشتیبانی بین‌المللی حتی کشورهای صنعتی سرمایه‌داری از سرنگونی این رژیم‌ها عاجز و ناتوانند، در حال حاضر اگر هر کشوری از جنبش مردمی برای سرنگونی جمهوری اسلامی پشتیبانی بکند باید که آن را به فال نیک گرفت. هیچگونه اتحادیه قوی و با رهبریتی در ایران باقی نمانده است. اغلب رهبران لایق سازمان‌های سیاسی به وسیله این رژیم مخوف هم در ایران و هم در اروپا اعدام و یا ترور شده‌اند. چرا نباید این واقعیت را دید و عینک دودی را از چشممان برداریم. چرا نباید خودمان را آماده بکنیم و متحد بشویم برای قدمی دیگر؟

**Shahram Bajafi** یکی از ادعاهای نا آگاهان سیاسی و تاکتیک‌های پادوان و مزدوران امپریالیسم جهت توجیه حمله نظامی به ایران و سایر کشورهای جنوب این است که می گویند این دیکتاتورهای مثل قذافی، اسد، خامنه‌ای.... باعث جنگ هستند!!! یعنی تهاجم امپریالیستی را تا حد اختلاف بین دو کشور که منجر به جنگ می شود، بزرگ می کنند، اما سوال از اینان این است که خود امپریالیست‌ها عامل اصلی به وجود آوردن، بر سر قدرت آوردن، حمایت کردن از همان دیکتاتورها، بوده‌اند؛ در تمام جنایات، تخریب، غارتگری، ترور شریک آنان بوده‌اند، پس چطور به ناگهان به نام دفاع از آزادی، حقوق بشر، مبارزه با ترور، سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی با حمله نظامی و اشغال کشورهای دیکتاتورها را حذف می کنند و دیکتاتورهای جدید و سایر نیروهای مرتجع را جانشین می کنند؟؟ چرا با حملات وحشیانه نظامی کشورها را با خاک یکسان می کنند؛ ملت‌ها را به خاک سیاه می کشانند؟؟ مورد هدف قرار دادن و نابود کردن راه‌ها، پل‌ها، مرکز تهیه مواد غذایی، آب آشامیدنی، دارو، بیمارستان‌ها، مرکز علمی و تحقیقاتی، دانشگاه‌ها، مرکز ارتباطی، صنایع زیر بنایی.... تمامی ساختارهای اقتصادی، صنعتی، علمی و حیاتی یک کشور را از بین می برند؟؟؟ صدها هزار نفر از مردم را کشته‌اند؛ هزاران نفر در نتیجه عوارض جانبی مثل تأثیرات اورانیوم غنی شده ضعیف مصرف شده در مهمات جان خود را بر اثر مبتلا شدن به بیماری‌ها جان خود را از دست داده‌اند، وجود هزاران کودک ناقص‌الخلقه و هزاران تراژدی‌های انسانی دیگر از نماد آن هستند، در مرحله بعدی، امپریالیست‌ها به نام بازسازی در پروسه اخذ قراردادهای استثماری تمامی ثروت ملی و منابع طبیعی آن ملل را به غارت می برند، سوال این است که شما از این باسوادان!!! مزدور و خود فروخته امپریالیسم که آن چنان در باطلاق متعفن خیانت و سرسپردگی فرو رفته‌اند که متوجه دروغ، جعل سازی و هذیان گویی خود نمی شوند، یک مقاله، چند خط در محکوم کردن و افشا کردن این جنایات را دیده‌اید؟؟؟ در واقع این پاسداران امپریالیسم می خواهند جنایات اربابانشان را با جنایات پاسداران و ویروس ارتجاع اسلام حاکم بر ایران توجیه کنند، به همین دلیل فرار به جلو می کنند و با دجال‌گری می خواهند نیروی رادیکالی که دست به ریشه می برد و می گوید نه به ویروس اسلام، نه به تهاجم و دخالت‌گری امپریالیسم (از هر نوعش) و این مردم ایران هستند که تصمیم‌گیری و عمل می کنند، را به ارتجاع خامنه‌ای وصل می کنند و بعد هم می گویند این هم مخرج مشترک است!!!! این پاسداران باسواد!! امپریالیسم چنان در عمق خیانت و سرسپردگی فرو رفتند که الفبای ریاضیات را نیز فراموش کرده‌اند.

**Nima Namdar** چقدر مفید است وقتی با تشدید مبارزه آیدنولوژیک مرزهای سیاسی روشن می شوند، خطوط هویدا می شوند و در معرض دید مردم قرار می گیرند. عده‌ای از روی نادانی، ندانم کاری و فقدان اطلاعات سیاسی و تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌های امپریالیستی از تحریم اقتصادی ایران، گرسنگی دادن و گرفتن جان مردم دفاع می کنند. عده‌ای هم آگاهانه به خاطر منافع شخصی و طبقاتی خود از سیاست‌های امپریالیستی و کشتار و جنایت و گرسنگی دادن مردم دفاع می کنند. قرار بود با تحریم اقتصادی و مرگ هشت صد هزار کودک عراقی مردم را علیه رژیم صدام حسین به خیابان‌ها بکشانند و وی را سرنگون کنند. اما دیدیم رژیم عراق توسط تحریم سرنگون نگردید و این کودکان عراقی بودند که در عفریت مرگ فرو رفتند. حال عده‌ای پیدا شدند که از سازمان ملل متحد این بازیچه دست ممالک معظم امپریالیستی و استعماری تحریم اقتصادی ایران را تجویز می کنند. وحتماً اگر تحریم اثر نکرد با بمباران ایران کار رژیم را یکسره کنند. این اگر خیانت به ملت ایران نیست حتماً یک حماقت سیاسی است که با هیچ عقل و منطقی جز استیصال و عجز درماندگی نمی خواند. آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی از دل تحریم اقتصادی و بمباران ایران بر نمی خیزد. آزادی و دموکراسی از درون مردم با ابتکار و سازماندهی خودشان و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی جوانه خواهد زد.....

\*\*\*\*\*



## آکسیون همبستگی با خلق‌های فلسطین، ایران و سوریه در شیلی

مطابق اعلامیه حزب کمونیست شیلی - آکسیون پرولتاریائی، تظاهراتی با همت کمیته همبستگی شیلی با خلق‌های فلسطین، ایران و سوریه در مقابل سفارت آمریکا در شیلی به همراه شماری از سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و زنان و مردان صلحدوست در مقابل سفارت امپریالیست یانکی در سانتیاگو برگزار کردند و سیاست تجاوزکارانه امپریالیست‌ها در نقض حق تعیین سرنوشت خلق‌ها را محکوم نمودند. در این اعلامیه آمده است "امپریالیسم و صهیونیسم به طور فعال در تدارک یک جنگ جدید علیه سوریه و ایران هستند و این در حالیست که آنها تا کنون چندین کشور از جمله لیبی، عراق، افغانستان، گرانادا، ویتنام، سومالی، کره، کوپا، لبنان، و غزه را مورد تجاوز و اشغال قرار دادند و فقط در عراق بیش از یک میلیون غیر نظامی کشته شدند. از این رو فقط همبستگی بین مردم جهان و مخالفت با جنگ تجاوزکارانه و غارتگرانه است که می توان باعث ممانعت از این جنایت و غارت گردید.

**جنگ بس است!**

**خون ریزی برای نفت بس است!**

**مرگ و رنج بس است!**

**هیجده دسامبر سانتیاگو**

برای دیدن فیلم تظاهرات لطفاً لینک زیر را باز کنید

[http://www.youtube.com/watch?feature=player\\_embedded&v=2-BfvDCzSgk](http://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=2-BfvDCzSgk)

El comité chileno de solidaridad con la lucha del pueblo palestino junto a varias organizaciones sociales y políticas, realizó junto a todos los hombres y mujeres amantes de la paz y la libertad una manifestación en las afueras de la embajada yanqui en Santiago de Chile, llamando a rechazar las guerras coloniales y los atropellos a la libre autodeterminación de los pueblos.

ya ,Siria y Irán de contra en vez esta guerra nueva una activamente preparan sionismo y el imperialismo El toda con .etc Libano ,Somalia, Korea, Santo Domingo, Cuba ,Nam Grenada, Viet ,Afganistán ,Irak ,Libia invadieron de civiles millón un de más asesinados muerto solo en Irak han Tan .destrucción y muerte de secuela una .inocentes

a ayudar podrán saqueo y agresión de guerras a las repudio y el mundo del pueblos los entre solidaridad Solo la .robo y crimen de practica esta detener

guerras más No

petróleo por sangre más No

muerte dolor y más No



## کوتاه ولی خواندنی نقل از فیسبوک

### به ما چه

**هنگامی** که امپریالیست‌ها به رهبری آمریکا بر سر مردم افغانستان "بمب دموکراتیک" ریختند، گفتیم به ما چه، ما که افغانی نیستیم

**هنگامی** که امپریالیست‌ها به رهبری آمریکا بر سر مردم عراق بمب "بشردوستانه" ریختند، گفتیم به ما چه، ما که عراقی نیستیم

**هنگامیکه** نوار غزه و لبنان بمباران شدند، گفتیم به ما چه، "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران"

**وقتی** لیبی توسط امپریالیست‌های اروپائی و آمریکائی و نوکرانشان با خاک یکسان شد، گفتیم، به ما چه، ما که لیبیائی نیستیم

امروز وقتی امپریالیست‌ها قصد از هم پاشاندن سوریه را دارند و به دنبال تکرار سناریوی لیبی هستند، می‌گیم به ما چه، ما که عرب نیستیم، گور بابای عرب‌ها...

**هنگامی** که بمب افکن‌های "متمدن" امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها بر فراز ایران به پرواز در آمدند، می‌گیم ای مردم جهان به دادمان برسید. آیا کسی باقی مانده به دادمان برسد؟

### راه یکی است

راه در ایران یکی است و آن راه، مبارزه و مخالفت با هرگونه تجاوز نظامی و تحریم اقتصادی علیه ایران. راه در ایران یکی است راه پیکار متحد و سازمان یافته کارگران، زنان، جوانان، نویسندگان و روشنفکران و تمام آحاد ملت ایران برای استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، بدون دخالت نیروهای امپریالیستی. راه دیگری جز این راه، بیراهه است. راه دوم و سوم و .... وجود ندارد، بیراهه‌اند، فریبی برای مردمند.

درس آموزی از دواقلاب بزرگ مشروطه و بهمن و قیام‌های خونین در تاریخ معاصر ایران، چراغ راه آینده است. تنها با برخورد ریشه‌ای و طبقاتی به تاریخ پر فراز و نشیب ملت ایران و پیکاری هدفمند و آگاهانه توأم با فداکاری و از خودگذشتگی به پیروزی خواهیم رسید

### دریغ از یک دقیقه سکوت

ماشین عظیم تبلیغاتی سرمایه‌داری امپریالیستی، ذهنیت و افکار عمومی تولید می‌کند که در خدمت سرمایه و اهداف سود آوری آن باشد. روزی نیست که بر سر مردم پاکستان و افغانستان و عراق بمب نریزند و عروسی به عزا تبدیل نشود. چنین جنایتی با تیتراژ نازک و خبری کوتاه از طریق تلویزیون اعلام و پایان می‌گیرد. بیننده تلویزیون فاقد اطلاعات زنده و روشن از کشتار و صحنه‌های دلخراش ضد بشری است. به خاطر کوتاهی خبر بیننده عکس‌العملی نشان نمی‌دهد، بر افروخته نمی‌شود، خورش به جوش نمی‌آید، اشکش جاری نمی‌شود.... و با اوضاع و احوال خود را منطبق می‌کند. این کشتار فقط آمارند. "۱۰۰ نفر در روستائی در افغانستان در اثر اشتباه ناتو کشته شدند." تایمز، نیویورک تایمز، بی بی سی، صدای آلمان، صدای آمریکا..... **دریغ از یک دقیقه سکوت!**

در یکی از مجلات ورزشی خواندیم اسبی در یکی از میادین ورزشی در اثر سکت قلبی درگذشت. کنجکاو شدم فیلم صحنه را به یمن اینترنت تماشا کردیم. مردم همه می‌گریستند. دوربین چنان صحنه مرگ اسب را زیبا نشان می‌داد که قلب هر بیننده‌ای ریش می‌شد. مسابقه ادامه یافت سپس با یک دقیقه سکوت و ادای احترام برای این حیوان زیبا که قربانی سود سیری ناپذیر سرمایه شد، مجدداً آغاز گردید. یک دقیقه سکوت برای یک حیوان. آزادی" بی قید و شرط" و حقوق بشر بورژوازی لیبرالی امپریالیستی یعنی همین.....

**سه نوع برخورد به خطر تجاوز نظامی به ایران در جامعه  
روشنفکری ایران .**

اول آن دسته از روشنفکرانی که قلبشان برای وطنشان و مردم کشورشان می تپد و برای ممانعت از تجاوز به ایران فعال و پیگیرند و در هر گوشه ای از جهان که هستند، برحسب توان و امکانات خود به افشای امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها می پردازند و با هر گونه دخالت خارجی در امور داخلی ایران مخالفند. دسته دوم روشنفکرانی هستند که موافق تجاوز نظامی به ایران هستند و از سیاست‌های امپریالیستی و استعماری و عراقیزه کردن ایران حمایت می کنند. اینان و ظنفر و شان خود فروخته و یا فریبخوردگان جاهل و مسخ شده هستند. دسته سوم روشنفکران منفعل و بی تفاوت که برای حفظ منافع حقیر خود مصلحت را در این می بینند که خاموش بمانند. عملکرد این دسته از روشنفکران چه بخواهند و چه نخواهند به نفع جنگ افروزان امپریالیست و آنها که در منطقه و جهان برخر مراد سوارند تمام خواهد شد. در دنیای کنونی بی طرف و غیر سیاسی وجود ندارد.

\*\*\*\*\*



## گرگان در لباس میش

امپریالیست‌ها گرگانی در لباس میش‌اند. هر گاه ندای صلح سر دهند، بدانید جنگی در راه است. برای توجیه جنگ و شستشوی مغزی افکار عمومی نوید "آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، آزادی بیان، تمدن، روابط شکوفان بین‌المللی، دوستی و صلح و صفا" ... می دهند. وزیر اسبق امور خارجه آمریکا خانم رایت در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون در پاسخ به سؤال خبرنگاری در مورد مرگ ۸۰۰۰۰۰ کودک عراقی در اثر تحریم اقتصادی آن کشور گفت: "آری، برای آزادی می بایست این بها را می پرداختیم" .... اپوزیسیونی که ماهیت این گرگان در لباس میش را نشناسد و یا نمی خواهد بشناسد و در دایره تنگش از درگاه این جانوران، آزادی طلب می کند، به ساتر عورت امپریالیست‌ها بدل شده و چنین فعالیت سیاسی، یک کاسبکاری سیاسی بیش نیست. مبارزه سیاسی برای آزادی و دموکراسی و حقوق بشر بدون افشا و مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم جهانی پشیزی ارزش ندارد.

« تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فنای مشترک طبقات متخاصم ختم می گردید، دست زده‌اند. »

مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست

توفان شماره ۱۴۲ دی ماه ۱۳۹۰

ارگان مرکزی

حزب کار ایران منتشر شد.

## رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کارایران (توفان) کمک مالی کنید!

یارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- \* علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
  - \* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
  - \* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
  - \* جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
  - \* مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
  - \* ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولژین
  - \* سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
  - \* مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
  - \* امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
  - \* توطئه بزرگ کتاب سوم
  - \* توطئه بزرگ کتاب چهارم
- آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب  
[www.toufan.org](http://www.toufan.org)  
[/http://www.kargareagah.blogspot.com](http://www.kargareagah.blogspot.com)  
[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)  
[/http://rahetoufan67.blogspot.com](http://rahetoufan67.blogspot.com)

از توفان در فیس بوک و توییتر دیدن کنید.



**دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!**